

## بازخوانی منابع عمومی ملل و نحل در آثار اسلامی

روح‌الله شیرزاد\*

### چکیده

دانشمندان فرهنگ اسلامی از دیرباز در قالب آثاری با عناوین مختلف و به انگیزه رد و اثبات اندیشه‌ها، به گزارش و شرح و تبیین دیدگاه‌های فرقه‌ای پرداخته‌اند. حجم زیادی از آثاری که قبل از شکل‌گیری منابع اصلی و موجود، نگاشته شده‌اند. اکنون از دسترس ما خارج است و تنها می‌توان رد پایی از آنها را در میان منابع بعدی جست‌وجو کرد. نوشتار حاضر با هدف بررسی آثار ملل و نحل اسلامی از آغاز اسلام تاکنون، به بررسی و بیان مختصر پیرامون هر یک پرداخته است و با تحقیقی کتابخانه‌ای، با محوریت منابع ملل و نحل اسلامی سعی در ارائه مجموعه منظمی از این آثار به همراه بررسی آنها خواهد داشت. نویسنده پس از اشاره مختصری پیرامون چگونگی پیدایش منابع ملل و نحل در اسلام، به توضیح و بیان این منابع در چهار فصل و به صورت زمان‌بندی نگارش منابع، پرداخته است.

**واژگان کلیدی:** ملل و نحل، مذاهب و فرق اسلامی، منابع فرقه شناسی.

---

\*. مدیر پژوهش پژوهشکده امر به معروف.

## تعریف اصطلاحات

لغات و واژه‌ها در هر فرهنگ و زبانی، خاستگاه و مفهوم ویژه خود را دارند و بدون توجه بدان نمی‌توان درباره واژه‌ها و اصطلاحات وارد بحث شد. در مورد مفاهیمی که در علوم مختلف مشترک می‌باشند، این بررسی و شناخت اهمیت بیشتری پیدا می‌کند، چرا که در هر علم، متناسب با موضوع و هدف آن علم، مفهومی برای واژه انتخاب می‌شود و لذا می‌بایست.

برای تعریف و شناخت معانی واژه‌ها و اصطلاحات به علم مورد نظر رجوع کرد. اکنون با توجه به اهمیت و نقش مفهوم. شناختی واژگان در تبیین موضوع بحث، پیش از هر چیز در این گفتار به شرح و تبیین واژه‌های اصلی می‌پردازیم.

### ۱. ملل

واژه ملل جمع ملت است که پانزده بار در قرآن کریم به کار رفته است. با توجه به کاربرد این کلمه درمی‌یابیم که معنای صحیح آن، که قدر جامع همه موارد طریقت و سنت است، چنان‌که در برخی از کتب لغت عرب نیز آمده است<sup>۱</sup> و برخلاف بیان برخی از کتاب‌ها، تنها به معنای طریقت انبیا به‌طور مطلق یا انبیای صاحب شرایع نیست<sup>۲</sup>، زیرا در قرآن به مواردی برخورد می‌کنیم که این کلمه درباره طریقت اقوام غیرمتدین نیز استعمال شده است، چنان‌که از قول حضرت یوسف علیه السلام چنین آمده است: «إِنِّي تَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ»<sup>۳</sup>.

۱. حسینی زبیدی، محمد مرتضی؛ تاج العروس؛ ج ۸، ص ۱۲۰؛ ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب؛ ج ۱۳، ص ۱۸۸.

۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ معجم مفردات الفاظ القرآن؛ ص ۴۹۲.

۳. سوره یوسف: آیه ۱۲.

از اینجا روشن می‌شود که استعمال ملت در فرقه نیز از نظر لغت و قرآن جایز است. همچنین در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کلمه ملت در مورد گروه‌های درون دینی به کار رفته است.<sup>۱</sup>

## ۲. نحل

این کلمه جمع نحله است که در قرآن به معنای عطیه و بخشش به کار رفته است.<sup>۲</sup> واژه نحل در کتب لغت در معانی: هدیه بدون عوض<sup>۳</sup> یا مطلق هدیه<sup>۴</sup> استعمال شده است. این کلمه وقتی به صورت *انتحال* و *تنحل* در می‌آید به معنای ادعای دروغین یا بدون دلیل است.<sup>۵</sup>

در اصطلاح علم فرقه‌شناسی، معادل کلمه آراء و اهواء و در مقابل کلمه دیانات به کار رفته است<sup>۶</sup> که می‌توان آن را مترادف مکتب‌های غیرآسمانی دانست، چنان‌که مثال زدن به فیلسوفان، دهریه، صابئین، ستاره‌پرستان، بت‌پرستان و برهمنان این معنا را روشن‌تر می‌سازد.<sup>۷</sup>

## ۳. فرقه

این کلمه از لغت «فرق» به معنای جدا شدن گرفته شده و به گروهی گفته می‌شود که خود را از عامه مردم جدا کرده باشند.<sup>۸</sup> در اصطلاح قرآن، به جمعیتی

۱. «بنی اسرائیل به هفتاد و دو ملت تقسیم شدند و امت من به هفتاد و سه ملت متفرق خواهند شد»، مجلسی، محمدباقر،

*بحارالانوار*، ج ۱۸، ص ۳، ح ۴. و نیز ص ۳۰ (به نقل از جامع الاصول) و ج ۱۰، ص ۴۰۸.

۲. *سوره نساء* آیه ۴.

۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، پیشین؛ ص ۵۰۶.

۴. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، پیشین؛ ص ۱۲۹.

۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، ماده نحل، راغب اصفهانی، پیشین، ص ۵۰۶.

۶. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، *الملل والنحل*، ج ۱، ص ۱۳.

۷. همان.

۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، پیشین، ص ۳۹۱.

اطلاق شده که تعداد افرادش بیش از طایفه است: ﴿فلولا نفر من كل فرقه منهم طائفة ليتفقهوا في الدين﴾<sup>۱</sup>.

در اصطلاح ملل و نحل، فرقه به گروهی با عقاید کلامی خاص گفته می‌شود. به نظر می‌رسد این معنای خاص «فرقه» از حدیث معروف «تفرقه» گرفته شده باشد که در آن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از پراکنده شدن امت خود به هفتاد و سه فرقه خبر می‌دهد. از اینجا روشن می‌شود که این کلمه در اصطلاح علم ملل و نحل دو تفاوت با وضع لغوی آن دارد: اول آنکه این کلمه در لغت به معنای گروه، صرف نظر از عقاید آن است اما در اصطلاح ملل و نحل، قید «معتقد به عقاید کلامی خاص» به آن اضافه می‌شود. دوم آنکه فرقه در لغت به معنای اقلیتی در مقابل اکثریت است اما در ملل و نحل حتی برای گروه اکثریت نیز، که اصطلاحاً به آن «جماعت» می‌گویند، این لغت استعمال شده است.

نکته دیگری که درباره این کلمه لازم است آن است که چنان که از اصطلاح قرآنی، لغوی و حدیث تفرقه به دست می‌آید، فرقه به گروهی گفته می‌شود که دارای جمعیت نسبتاً زیادی باشد؛ بنابراین، کاربرد آن در مورد گروه‌هایی که به تعداد انگشتان دست یا کم‌ترند صحیح نیست.

### تاریخچه نگارش منابع ملل و نحل

این دانش، مکتب‌های فکری و شعبه‌ها و گرایش‌های درون یک دین و همچنین تاریخ تولد و تطور آنها را مورد توجه قرار می‌دهد.<sup>۲</sup> در میان ملت‌های پیش از اسلام، روش علمی‌ای برای پژوهش در تاریخ ادیان و مذاهب وجود

۱. سوره توبه: آیه ۱۲۲.

۲. سبحانی، جعفر؛ *فرهنگ عقاید و مذاهب اسلامی*؛ ج ۱، ص ۲۸.

نداشته و این علم اولین بار در اسلام پایه‌گذاری شد.<sup>۱</sup> آثار درباره فرق و تاریخ ادیان به دو قسم تقسیم می‌شود:

۱. آثاری که صرفاً در مورد فرق اسلامی نوشته شده است که خود به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف - کتبی که دربردارنده تمام فرق و مذاهب اسلام است

ب - منابعی که تنها به بررسی یک مذهب و فرق منشعب شده از آن پرداخته‌اند.

۲. آثاری که به جز فرق اسلامی، به سایر ملل نیز پرداخته است.

با آغاز اختلافات فکری و اعتقادی و دینی در جهان اسلام و شکل‌گیری فرق و نحله‌ها و مکاتب مختلف فقهی، کلامی در میان مسلمین، با توجه به سابقه‌ای که مسلمانان در نگارش موضوعات تاریخی داشته‌اند، برای بیان چگونگی پیدایش و اعتقادات فرق و همچنین نقد و رد مبانی کلامی و فقهی آنها، نگارش موضوعاتی پیرامون فرقه‌های نوظهور آغاز شد که بیشتر در میان شیعیان و به سبب اختلافات شدید و گرایش‌های مختلفی که در میان آنها وجود داشت، بوده است.

### منابع ملل و نحل اسلامی

با مراجعه به کتاب شناسی‌ها در می‌یابیم که نگارش آثار عمومی در علم ملل و نحل اسلامی از اوایل قرن سوم هجری آغاز گشته است، و این در زمانی بود که امت اسلامی جریان‌های مختلف سیاسی دخیل در فرقه‌سازی و همچنین جریان‌های فرهنگی مؤثر در پیدایش فرقه‌ها همچون نهضت ترجمه، و نیز اختلاط امت اسلامی با مردم سرزمین‌های دیگر همانند ایران، روم و هند را پشت سرگذاشته و ظهور انواع و اقسام فرقه‌ها را در درون خود تجربه کرده بود.<sup>۲</sup>

۱. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، پیشین، ص ۱۰.

۲. تهرانی، آقا بزرگ، الذریعة، ج ۱۶، ص ۱۷۴.

## الف) منابع قرن سوم هجری

آغاز نگارش منابع عمومی ملل و نحل به این قرن باز می‌گردد. گرچه در قرون قبل از آن نیز شاهد نگارش کتبی پیرامون فرق و نحل اسلامی هستیم اما غالب آنان به صورت تخصصی و در مورد یک و یا چند فرقه خاص بحث به میان آورده‌اند. در این قسمت به سبب اهمیت اولین منابع نگاشته شده پیرامون ملل و نحل اسلامی تمام تألیفات این دوره ذکر شده و مورد بررسی قرار گرفته است.

### ۱. کتاب الفرق

نوشته ابویوسف یعقوب بن اسحاق بن سُکَيت (م ۲۴۴ق)، که در آغاز معلم فرزندان متوکل عباسی بود. او از علما و دانشمندان و ادیبان نامدار شیعه بوده و در اکثر علوم عصر خود مانند: علوم قرآن، شعر، لغت و ادب، تبخّر داشت و درباره این علوم کتاب‌هایی به رشته تحریر در آورده بود که به گفته بعضی از صاحب نظران بعضی از آنها در نوع خود بی‌نظیر بوده است.<sup>۱</sup>

### جریان شهادت ابن سکیت

متوکل در زمان خلافت خود بزرگانی از مردم مسلمان و معتقد به اهل بیت علیهم‌السلام را به شهادت رسانید که از جمله آنان «ابن سکیت»، یار با وفای امام جواد علیه‌السلام و امام هادی علیه‌السلام و شاعر و ادیب نام‌آور شیعی بود که متوکل به جرم دوستی علی علیه‌السلام او را به قتل رسانید. روزی متوکل با اشاره به دو فرزند خود از وی پرسید: این دو فرزند من نزد تو محبوب‌ترند یا «حسن» و «حسین»؟ ابن سکیت از این سخن و مقایسه بی‌مورد سخت برآشفته و خونسش به جوش آمد و بی‌درنگ گفت: «به خدا سوگند «قنبر» غلام علی علیه‌السلام در نظر من از تو و دو فرزندت بهتر است.<sup>۲</sup> متأسفانه هیچ اثری از این کتاب در دست نیست.

۱. مدرس تبریزی، محمدعلی، *ریحانة الأدب*، ج ۷، ص ۵۷۰.

۲. مجلسی، محمدباقر، *پیشین*، ج ۱۰۴، ص ۱۰۳.

## ۲. کتاب المقالات

تألیف ابو عیسی محمد بن هارون وراق (م ۲۴۷ق).

## ۳. المقالات

نوشته حسین بن علی کرایسی (م ۲۴۵ تا ۲۴۸ق)، که یکی از منابع اصلی کتب مدون در تکفیر خوارج و غلات بوده است و هم اکنون بخشی از آن در کتبی که درباره الحاد نوشته شده موجود است.

### نظر علمای رجال اهل سنت در مورد کرایسی

ابن حجر عسقلانی شارح بزرگ صحیح بخاری گفته بود: بخاری اکثر اعتقاداتش را از ابن کلاب و کرایسی و امثال اینها گرفته است. احمد بن حنبل و یحیی بن معین: هردو او را لعن کرده‌اند.<sup>۱</sup> اُزْدی: ساقط لا یرجع الی قوله (از درجه اعتبار ساقط است و نباید به قول او رجوع کرد).<sup>۲</sup>

ابن حبان: أفسده قلة عقله (کمبود عقل او، او را به فساد عقیده کشانید).<sup>۳</sup> جالب است که بدانیم اهل سنت در مسأله خلق قرآن، قائل به عدم مخلوقیت قرآن می‌باشند. (یعنی قدیم بودن قرآن) و هر کسی را که خلاف این عقیده داشته باشد از دایره سنت پیامبر ﷺ خارج می‌دانند.

مسأله‌ای که اینجا وجود دارد این است که کرایسی به خاطر عقیده فاسدی که در مورد قرآن داشته مورد تنفر شدید اهل سنت بوده و امام الحنابل و الحديث احمد بن حنبل جزء کسانی است که بسیار تلاش می‌کرده تا آبروی او را در میان جامعه اسلامی ببرد و هتک حرمت او را می‌کرده است.

۱. ذهبی؛ محمد بن احمد، میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۵۴۴، رقم ۲۰۳۲.

۲. همان.

۳. العسقلانی، ابن حجر، تهذیب التهذیب T ج ۲، ص ۳۶۱.

عبدالله بن احمد بن حنبل می‌گوید: از پدرم سؤال کردم که نظر شما در مورد کسی که می‌گوید (لفظی بالقرآن مخلوق) چیست؟ پدرم گفت: این کلام جهمیّه درباره قرآن است. به پدرم گفتم: کرابیسی چنین اعتقادی دارد. پدرم گفت: (کذب هتکه الله...) او دروغگوست و دروغ می‌گوید خدا آبرویش را ببرد.<sup>۱</sup>

حال بهتر است بدانیم همین جناب آقای کرابیسی باعث شد تا این اعتقاد فاسدش در مورد قرآن به بخاری سرایت کند و بخاری را نیز از دایره اعتقادی اهل سنت در مورد قرآن خارج کند.

#### ۴. الإِسْتِقَامَةُ فِي السُّنَّةِ وَالرُّدُّ عَلَى أَهْلِ الْأَهْوَاءِ

نوشته ابوعاصم خشیش بن اصرم (م ۲۵۴ق) که ملطی در التنبیه و الرد فراوان از او نقل می‌کند.

#### ۵. کتاب المقالات یا مقالات الاسلامیین

تألیف ابوالقاسم عبدالله بن احمد بن محمود کعبی بلخی معتزلی (م اوایل قرن چهارم)، که تألیف کتاب خود را در سال ۲۷۹ق آغاز کرده است. ملل و نحل نویسان بعدی، مانند اشعری در مقالات الاسلامیین، بغدادی در الفرق بین الفرق و شهرستانی در الملل والنحل از این کتاب بسیار استفاده کرده‌اند.

این کتاب در عقاید و آراء و ملل و نحل نگاشته شده و همانطور که اشاره شد مؤلفان کتاب‌های ملل و نحل از آن بسیار نقل کرده‌اند، قسمتی از این کتاب که در باب عقاید معتزله و معتقدان به آن مذهب است، در فضل الاعتزال به طبع رسیده است، گفتنی است که نجاشی در رجال<sup>۲</sup>، کتابی از ابوالقاسم علی بن احمد کوفی (د ۳۵۲ق) نام برده است با عنوان تحقیق ما الفه البلخی من المقالات، حاجی خلیفه آغاز تألیف کتاب

۱. همان.

۲. نجاشی، احمد بن علی، رجال، ص ۲۵۶.

را به نقل از بلخی سال ۲۷۹ق دانسته است.<sup>۱</sup> ابن ندیم می‌گوید که بلخی کتاب عیون المسائل و الجوابات را که ذکر آن خواهد آمد، به این کتاب افزوده است، ظاهراً مقصود ابن ندیم یکی بودن موضوع این دو کتاب بوده است که همان عقاید و آراء فرقه‌های گوناگون است و بلخی ابتدا المقالات را نوشته و بعد در این موضوع عیون المسائل را بر آن افزوده است. از گفته ابن ابی الحدید<sup>۲</sup>، چنین برمی‌آید که قاضی عبدالجبار معتزلی المقالات را شرح کرده بوده است.

#### ۶. الآراء و الدیانات

نوشته ابو محمد حسن بن موسی نوبختی (م ۳۱۰ق) فیلسوف و منجم و متکلم شیعی ایرانی است که نجاشی کتاب او را کتابی بزرگ و نیکو می‌داند که علوم فراوانی را در خود جای داده است.

این کتاب درباره عقاید و باورهای پیروان ادیان و مذاهب و مکتب‌های گوناگون کلامی و فلسفی به زبان عربی نوشته شده است.

از کتاب الآراء والدیانات اثری در دست نیست، لیکن مطالب آن به‌طور گسترده در کتاب‌های اسلامی مربوط به این موضوع بازتاب یافته است و این نشان می‌دهد که این کتاب از آوازه‌ای بلند برخوردار بوده است.

نیمه دوم سده سوم قمری که نوبختی در آن می‌زیسته، روزگار جوش و خروش اندیشه‌های گوناگون و کشاکش آزاد فرقه‌ها با یکدیگر بوده است. درگیری زبانی و قلمی به ارزیابی باورهای مخالف منحصر نمی‌شده، بلکه به شرح و نگارش تاریخ آن فرقه‌ها و عقاید ایشان نیز کشیده می‌شده است. همزمان با او یا اندکی پیش و پس از وی، افراد بسیاری به این کار پرداخته‌اند که اقبال آشتیانی برخی از ایشان را یاد کرده است.<sup>۳</sup>

۱. حاجی خلیفه، کاتب چلبی؛ کشف الظنون؛ ج ۲، ص ۱۷۸۲.

۲. ابن ابی الحدید، عبدالحمید؛ شرح نهج البلاغه؛ ج ۱، ص ۸.

۳. خاندان نوبختی، صص ۱۳۶-۱۳۹.

با این همه، شیخ آقا بزرگ تهرانی او را نخستین دانشمند مسلمان می‌داند که درباره ملل و نحل و آراء و فرقه‌ها کتاب نوشته است. دیگر کسانی که در این زمینه چیزی نوشته‌اند، همگی متأخر از او بوده‌اند. ابوبکر باقلانی، ابومنصور عبدالقاهر بن طاهر بغدادی، ابوبکر احمد بن محمد اصفهانی، ابن حزم، شهرستانی و جز ایشان.<sup>۱</sup>

### محتوا

کتاب *الآراء والديانات* را پس از نویختی، نویسندگانی مانند مسعودی، ابن جوزی، ابن ابی‌الحدید و دیگران در دست داشته‌اند. از اشارات آنان می‌توان استنباط کرد که *الآراء والديانات* حاوی مطالبی بدین شرح بوده است: عقاید سوفسطاییان، عقاید ثنویان، عقاید فیلسوفان یونان، مذاهب هند و باورهای هندوان، مذاهب صابئیان و مجوسیان، آرای منجمان و اصحاب فلک، عقاید جهم بن صفوان، مذهب هشام بن حکم در تشبیه و تجسیم، عقاید مقاتل بن سلیمان و نعیم بن حماد و داوود جواربی از متکلمان شیعی و عقاید فیلسوفان رواقی.<sup>۲</sup>

### ب) منابع قرن چهارم هجری

علم ملل و نحل اسلامی در قرن چهارم هجری همچنان به رشد خود ادامه داد. از کتاب‌های پدیدآمده در این قرن می‌توان از کتب زیر یاد کرد:

۱. کتاب *الزینة ابو حاتم رازی* (م ۳۲۲ هـ / ۹۳۳-۳۴ م)

رازی اهل ری - در نزدیکی تهران امروزی - بود و در دوران خودش به عنوان یک داعی اسماعیلی شناخته می‌شد.

۱. تهرانی، آقا بزرگ، پیشین، ج ۱، صص ۳۴-۳۵.

۲. *خاندان نویختی*، ص ۱۳۹.

### کتابشناسی

سومین اثر اسماعیلی در ملل و نحل است که همانند دو کتاب قبلی، خصیصه‌های ویژه اسماعیلیه، در بخش‌های فرقه نگاری آن دیده نمی‌شود. کتاب *الزینه* او تنها یک اثر فرقه نگاری نیست، بلکه این کتاب از سه بخش تشکیل شده است:

**بخش اول:** به کلمات عربی قرآن و بحث درباره ریشه‌شناسی و پیدا کردن اصل و منشأ آن لغات اختصاص دارد.

**بخش دوم:** به بحث از اسمای حُسنای الهی می‌پردازد و قسمت آخر، نگاشته‌های فرقه‌شناختی را در بر می‌گیرد.

کتاب *الزینه* نیز مانند کتاب *الشجره/بوتّم* و ملل و نحل *شهرستانی*، اعتقاد و وابستگی نویسنده آن را به تفکر و اندیشه اسماعیلی آشکار نمی‌سازد، بلکه فرقه نگاری آن یک فضای عمومی و فراگیر شیعی را نشان می‌دهد و به اصطلاح رنگ و بویی متشیّعانه دارد. برای مثال، رازی در بحث خودش از معنای اصطلاح *أهل السنه* و *الجماعه*، استدلال‌های رایج و متعارف شیعی را اقامه می‌کند<sup>۱</sup> و همچنین نتیجه می‌گیرد همان‌طور که در حدیث مشهور نبوی آمده است، *أهل الجماعه* حامیان و طرفداران علی علیه السلام هستند.<sup>۲</sup> علاوه بر این، شیوه برخورد رازی با اسماعیلیان (هم کیشان خودش) صرفاً آگاهی‌های عمومی و اجمالی از این فرقه را در اختیار می‌گذارد؛ به نوعی دیگر، او از دفاع جدلی از این فرقه نیز اجتناب ورزیده و بدین روش اسماعیلی بودن خودش را پنهان می‌سازد.

خودداری از نشان دادن گرایش‌ها و تمایلات آشکار اسماعیلی در بدنه اصلی کتب فرقه نگاری *بوتّم*، رازی و *شهرستانی* حاکی از تشابه ساختاری آثار ملل و نحل نگاری *اسماعیلی* در خراسان قرن ۴-۶ ه‍.ق. ۱۰-۱۲ م است. به دلیل وجود اشارات

۱. ابوحاتم رازی، ص ۲۵۱.

۲. همان، ص ۲۶۲.

معمول شیعیانه در کتاب «الزینة» و عقاید آشکار اسماعیلی در مقدمه «باب الشیطان» می‌توان گفت که این نویسندگان از تقیّه به عنوان یک شیوه و راهبرد حفاظتی استفاده نکرده‌اند. اگرچه به‌طور حتم در این خصوص، به تحقیقات بیشتری نیازمندیم، اما چنین به نظر می‌رسد که پرهیز از بروز عقاید اسماعیلی در بدنه کتاب، می‌تواند به عنوان یک رسم و پیمان ادبی مشترک در سبک نگارش *ملل و نحل* نویسان اسماعیلیان شرقی در آن دوران، محسوب شود.

## ۲. کتاب الردّ علی أهل البدع والأهواء

ابومعین میمون بن محمد بن محمد بن معتمد بن محمد بن مکحول نسفی مکحولی (م ۳۱۸ق)، که از مشاهیر فرقه ماتریدیه در پنجم هجری بوده است. نسفی در نخشب، در نزدیکی بخارا به دنیا آمد. از زندگی شخصی و اجتماعی وی اطلاع چندانی در دست نیست. همچنین از تاریخ تولد و نخستین سال‌های زندگی وی چیزی نمی‌دانیم، جز اینکه زرکلی در یکی از نسخه‌های الاعلام و به تبع وی رضا کحاله در معجم المؤلفین، تاریخ تولد وی را سال ۴۱۸ ثبت کرده‌اند.

نسفی با ترویج و بسط اندیشه‌های ماتریدی و نیز تألیف آثار و تربیت شاگردان، آیین ماتریدی را به خوبی گسترش داد. افزون بر تربیت شاگردان، نسفی در تألیف آثار نیز سهم بسزایی داشته است. او سه کتاب مهم در علم کلام و عقاید حنفی ماتریدی دارد که عبارت اند از: تبصرة الادلة فی اصول الدین علی طریقة الامام ابو منصور الماتریدی در دو جلد قطور، التمهید لقواعد التوحید یا التمهید فی اصول الدین که با هر دو عنوان، به همت دو شخص، جداگانه تحقیق و چاپ شده است و به مثابه چکیده‌ای برای تبصرة الادلة به کار می‌آید؛ و بحر الکلام که به گزارش دکتر حربی، در سال‌های ۱۳۲۹ و ۱۳۴۰ در قاهره دو بار چاپ شده است. آثار دیگری همچون ایضاح المبحه لکون العقل حجة، شرح الجامع الکبیر للشیبایی، مناهج الائمة، تصیید القواعد فی علم العقائد و الافساد لخدع

الاحاد را نیز به وی نسبت داده‌اند. به اعتقاد همه شرح حال نویسان، نسفی در ۲۵ ذی حجه سال ۵۰۸ هجری درگذشته است.

### ۳. مقالات الاسلامیین و إختلاف المصلّین

نویسنده این کتاب ابوالحسن علی بن اسماعیل اشعری (م ۳۲۴ ق) از متکلمان بزرگ اهل سنت و بنیانگذار مکتب کلامی اشاعره است. با اینکه تألیفات او را متجاوز از نود دانسته‌اند، فقط پنج کتاب از او باقی است؛ کتاب فوق و نیز کتاب‌های الابانة عن اصول الديانة، رسالة استحسان الخوض في الكلام، اللمع في الرد على اهل الزيغ والبدع و رسالة كتبها الى اهل النغر و باب الابواب.

از ویژگی‌های کتاب مقالات الاسلامیین نقل بدون واسطه عقاید کلامی بسیاری از فرقه‌ها بخصوص فرقه بزرگ معتزله است، به‌ویژه با توجه به آنکه اشعری خودش تا چهل سالگی عقاید معتزلی داشته و سپس از آن جدا شده است. با آنکه این کتاب یکی از قدیمی‌ترین و جامع‌ترین منابع فرقه‌شناسی اسلامی است، اما به عللی همچون تکرار فراوان، عدم بلاغت در کلام و ترتیب غیرمعارف - که در یک بخش معرفی گروه‌ها و عقایدشان را مبنا قرار می‌دهد و در بخشی دیگر اصل را بر عقاید کلامی می‌گذارد - ملل و نحل نویسان از آن استفاده نکرده‌اند و به جای آن به کتبی همچون الفرق بین الفرق بغدادی و الملل والنحل شهرستانی مراجعه کرده‌اند، با آنکه به احتمال فراوان، آن کتاب یکی از منابع اصلی دو کتاب اخیر بوده است.

از ویژگی‌های دیگر این کتاب نقل عقاید گروه‌های مختلف به دور از نقادی و لحاظ قرار دادن عقاید کلامی مؤلف است. و نیز برخلاف بعضی از ملل و نحل نویسان، از حدود نزاکت و ادب خارج نشده است، گرچه درباره برخی از گروه‌ها، مانند شیعه، اتهاماتی را به‌عنوان عقاید آنان ذکر می‌کند. مؤلف در این کتاب ابتدا شمه‌ای از تاریخ حدوث اختلافات در میان امت اسلامی را بیان کرده و سپس به

تقسیم بندی گروه‌های مختلف اسلامی پرداخته و آنها را در ده گروه زیر جای داده است: شیعه، خوارج، مرجئه، معتزله، جهمیه، حسینی، بکریه، عامه، اصحاب الحدیث و کلابیه.

از ظاهر این تقسیم برمی‌آید که فرقه‌های بزرگ اسلام، که فرقه‌های دیگر تحت عنوان آنها قرار می‌گیرند، همین ده گروه‌اند، در حالی که فرقه‌هایی همچون بکریه، حسینی و کلابیه را نمی‌توان هم عرض فرقه‌های بزرگی همچون شیعه، خوارج و معتزله قرار داد؛ چنان که از حجمی که در این کتاب به این فرقه‌ها اختصاص یافته می‌توان این مطلب را به خوبی اثبات کرد.

۲۰

چنان که گفته شد، مؤلف در کتاب خود از نظم خاصی پیروی نمی‌کند، اما می‌توان کتاب او را به دو بخش تقسیم کرد؛ بخش اول مربوط به فرقه‌هاست و در بعضی از موارد پس از ذکر فرقه‌ها و شمه‌ای از عقاید آنان بحث گسترده‌ای با عنوان اختلافات مطرح می‌کند و به ذکر اختلاف درون گروهی و برون گروهی آنان در عقاید مختلف می‌پردازد، چنان که درباره شیعه چنین کرده است. گاهی نیز عکس این کار انجام می‌دهد؛ یعنی ابتدا مقالات فرقه و شمه‌ای از اختلافات درون گروهی و برون گروهی آنان را مطرح می‌کند و سپس به ذکر نام فرقه‌های آن گروه می‌پردازد، چنان که در مورد معتزله چنین کرده است. به واسطه همراهی فراوان نویسنده با معتزله و افکار و عقاید و شخصیت‌های آنان، بخش عظیمی از این کتاب به این فرقه اختصاص یافته است و از لابه‌لای کتاب برمی‌آید که نویسنده عقاید گروه عامه را می‌پسندیده است.

در بخش دوم اختلافات کلی متکلمان در مسائل اصول دین و غیر آن، مانند مسائل مربوط به جسم، عرض، جوهر و حرکت مطرح و عقاید گروه‌های مختلف بیان شده است. به نظر می‌رسد اگر این کتاب بازنویسی و با ترتیب و نظم منطقی عرضه شود، بتواند از جهت غنای خود، گوی سبقت را از بسیاری از دیگر کتب ملل و نحل برآید.

#### ۴. المقالات

تألیف شیخ ابومنصور محمد بن محمد ماتریدی (م ۳۳۳ق).

#### ۵. المقالات فی أصول الديانات من الخوارج و المعتزلة و الشيعة

علی بن حسین مسعودی (حدود ۲۸۳هق / ۸۹۶م - ۳۴۶هق / ۹۵۷م) تاریخ‌نویس و جغرافی‌دان و دانشمند و جهان‌گرد عرب بود. نسب وی به عبدالله بن مسعود یکی از یاران برجسته پیامبر اسلام ﷺ می‌رسد.

#### مذهب

به گفته میکائیل کوپرسن، گرچه مسعودی در آثار به جای مانده‌اش مذهبش را اعلام ننموده است ولی نحوه برخورد او با تاریخ صدر اسلام مخصوصاً خلافت علی ابن ابی طالب علیه السلام و نیز عنوان بعضی از کتاب‌هایی از او که اکنون از میان رفته‌اند؛ اندک شکی در مورد شیعه بودن او باقی نمی‌گذارد. مانند تعداد دیگری از عالمان شیعه معاصر مسعودی رویکرد او نسبت به فقه مکتب «ظاهری» بوده است. البته به نظر می‌رسد که وی حداقل مکتب یک فقیه شافعی را نیز درک کرده است.<sup>[۱]</sup> به گفته ابولقاسم پاینده، او شیعی مذهب بوده است. دانشنامه اسلام، امامیه بودن مسعودی را غیر قابل انکار می‌داند. در عین حال مذهب فقهی او را به احتمال زیاد شافعی معرفی می‌کند. به گفته دانشنامه اسلام نویسندگان شیعه به اتفاق مسعودی را هم مذهب خود می‌دانند. اما در میان نویسندگان سنی برخی وی را سنی معتزلی و برخی وی را شیعه می‌دانند.<sup>[۳]</sup> به گفته جان هیوود، مسعودی به همه مذاهب از جمله هندو، زرتشتی، یهودیت و مسیحیت علاقه نشان داده است ولی در نگارش تاریخ خود به صورت غیر نقادانه آنچه را می‌شنیده نقل می‌کرده است.

## آثار

|                     |                        |                                              |                         |
|---------------------|------------------------|----------------------------------------------|-------------------------|
| مروج الذهب          | اخبار الزمان           | التاریخ فی اخبار الامم من العرب والعجم       | کتاب الاوسط             |
| التنبیه والاشراف    | اخبار الخوارج          | المسائل والعلل فی المذاهب والملل             | سر الحیاة               |
| الاستبصار فی الائمة | البيان فی اسماء الائمة | الرسائل والاستذکار لما فی مر فی سالف الاعصار | الابانة فی اصول الديانة |

### ۶. التَّنْبِيْهِ وَالرَّدُّ عَلَى أَهْلِ الْأَهْوَاءِ وَالْبِدْعِ

نوشته ابوالحسن محمد بن احمد بن عبدالرحمن ملطی شافعی (م ۳۷۷ ق). این کتاب که در سال ۱۳۴۳ ه.ق. در کتابخانه ظاهریه دمشق کشف شده است، تنها بخشی از کتاب اصلی مؤلف، یعنی شامل بخش سوم و چهارم آن است. جزء اول و دوم آن درباره فرقه‌های یهود و نصارا بوده است. کتاب دارای دو بخش است؛ بخش اول به ذکر فرقه‌های مختلف و بیان مختصری از عقاید آنان و رد آن عقاید می‌پردازد. برای این منظور فرقه‌های رافضه (شیعه) با پانزده زیرفرقه، جهمیه با هشت زیرفرقه، قدریه (معتزله) با هفت زیرفرقه، مرجئه با دوازده زیرفرقه، خوارج با ۲۵ زیرفرقه و زنداقه با پنج زیرفرقه را مطرح می‌کند. مجموع این فرقه‌ها به عدد هفتاد و دو می‌رسد و هفتاد و سومین فرقه که در نظر او اهل نجات است اهل جماعت است.

در این بخش مؤلف تحت تأثیر کتاب الاستقامه خشیش بن اصرم است و از کتاب او فراوان نقل می‌کند. از نکات قابل توجه این بخش ذکر زنداقه در میان فرقه‌های اسلامی، ذکر فرقه‌ای از امامیه با عنوان اهل قم که آنان را معتقد به تشبیه و جبر می‌داند، و ذکر فرقه معتزله بغداد به عنوان زیرفرقه‌ای از زیدیه است. مؤلف در بخش دوم با عنوان باب ذکر متشابه القرآن، به ذکر آیات متشابه قرآن و کیفیت استفاده نابجای اهل اهواء از آنها می‌پردازد. این بخش تحت تأثیر مقاتل بن سلیمان بوده و آرای همچون آرای تشبیهی او را پذیرفته است.

از ویژگی‌های این کتاب تأثیر فراوان عقاید کلامی مؤلف آن در نقل عقاید فرقه‌های مختلف، و سعی در اثبات حقانیت فرقه‌ای خاص، و نیز خروج از حد نزاکت در بسیاری از موارد است؛ برای مثال، هنگام ذکر فرقه شیعه چنین می‌نگارد: «ان أهل الضلال الرافضة»؛ و پس از ذکر عقاید آنان می‌گوید: «مذاهب السفلة العمی اخوة القردة بل اخوة القردة افضل منهم» در هنگام ذکر هشام بن حکم، صحابی متکلم و بزرگوار آرای سخیفی را به او نسبت می‌دهد و قصد او را نابودی ارکان اسلام یعنی توحید، نبوت و معاد می‌داند. گفتنی است که در کتاب وی از فرقه‌های مختلف دوبار یاد شده است؛ یک بار در اول کتاب و بار دیگر در بخش پایانی آن، بدون آنکه تفاوتی بین آن دو وجود داشته باشد.

ملطی، صاحب کتاب *التنبیه والرّد علی اهل الاهواء والبدع*، از جمله افرادی است که در عرضه عقاید مذاهب اسلامی، به‌عنوان رقیبی متعصب و استفاده‌کننده از تعبیر تند و حتی خارج از نزاکت مشهور شده است. عنوان اثر او، خود، نوعی ارزش داوری و همراه با بیان انگیزه کلامی وی است. تأثیرپذیری فراوان او از اندیشه‌های حشویه و یهود و نصارا و استناد او به سخنان امثال کعب الاحبار و وهب بن منیه نیز به روشنی پیداست.

وی دیدگاه‌های معتزله و شیعه را به گونه‌ای گزارش می‌کند که خود به خود مورد نفرت واقع شود. به علاوه، لقب رافضه را برای شیعه به‌عنوان واژه‌ای ناپسند و به معنای خروج از دین<sup>۱</sup> می‌آورد و معتزله را نیز از مخالفین اهل قبله می‌داند.<sup>۲</sup> روشن‌تر از این موارد اینکه تمامی فرقه‌های شیعی را گمراه می‌پندارد<sup>۳</sup> و در هنگام معرفی گروهی به نام هشامیه، هشام بن حکم، متکلم مشهور شیعه را زندیقی می‌داند که قصد نابودی

۱. ملطی شافعی، ابوالحسن، *التنبیه والرّد علی اهل الاهواء والبدع*، ص ۲۱.

۲. همان، ص ۲۹.

۳. همان، ص ۱۶.

اسلام را داشته است. آیا از چنین فردی می‌توان انتظار گزارش بی‌طرف را داشت؟ پر واضح است که به چنین آثاری باید به‌عنوان آثاری کلامی - جدلی که به جای گزارشگری در پی رد و انکار اندیشه‌های غیرخودی هستند، نگاه کرد.

#### ۷. کتاب الفرق نوشته شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق)

این کتاب نیز مانند کتب دیگر شیعه که از بین رفته بدت ما نرسیده و متأسفانه نقلی نیز از آن در سایر کتب موجود نیست.

#### ۸. التمهيد في الرد على الملحدة المعطلة و الزافضة و الخوارج و المعتزلة

نوشته ابوبکر محمد بن طیب معروف به باقلانی (م ۴۰۳ ق) که آن را قبل از سال ۳۶۷ قمری در شیراز به منظور تعلیم صمصام الدوله فرزند عضدالدوله از سلاطین آل بویه تألیف کرد.

از حوادث مهم این قرن تألیف کتاب مقالات الاسلامیین اشعری است که بنیانگذار کلام اشعری بود. این کتاب در مؤلفات بعدی این قرن و نیز ملل و نحل نویسان قرون بعد تأثیر فراوان گذاشت و شاید بتوانیم یکی از علل رشد ملل و نحل در میان اشاعره را تألیف این کتاب بدانیم.

#### ج) منابع نگاشته شده در قرن پنجم

قرن پنجم نقطه عطفی در تاریخ ملل و نحل نویسی است، زیرا قسمت عمده کتبی که طی قرن‌ها مورد استناد ملل و نحل نویسان بودند و هم‌اکنون نیز به عنوان منابع اصلی این علم مطرح‌اند، در این قرن نگاشته شده‌اند.

#### ۱. الفرق بين الفرق و بيان الفرقة الناجية منهم

تألیف عبدالقاهر بن طاهر بن محمد بن بغدادی اسفرائینی تمیمی (م ۴۲۹ ق). نویسندۀ پیش از این اثر، کتاب دیگری با عنوان الملل و النحل تألیف کرده است و در کتاب الفرق بین الفرق به آن ارجاع می‌دهد.

به نظر می‌رسد برای اولین بار عنوان ملل و نحل را برای این علم، همین نویسندگان و در همین کتاب به کار برده باشد. مؤلف این کتاب با آنکه عنوان ملل و نحل را برگزیده فقط به بررسی فرقه‌های اسلامی (و نه مجموع ادیان و فرقه‌ها) پرداخته است.

نوشته ابومنصور عبدالقاهر بن طاهر بغدادی. مؤلف، یکی از متکلمان اهل سنت است که حدود سی کتاب به او نسبت داده‌اند، اما هم اکنون کمتر از ده کتاب از او باقی است. این کتاب عهده‌دار بیان فرقه‌های مسلمان است. مؤلف در آغاز کتاب حدیث تفرقه را با اسناد مختلف ذکر کرده و هفتاد و دو فرقه هالکه را در ضمن فرق ذیل دانسته است: شیعه (روافض)، خوارج، قدریه معتزله، مرجئه، نجاریه، بکریه، کرامیه، ضراریه و جهمیه. وی گروه هفتاد و سوم یعنی گروه ناجیه را گروه اهل سنت و جماعت می‌داند که از نظر فقهی شامل اصحاب رأی و حدیث است.

چنان‌که مشاهده می‌شود، مؤلف برای رساندن فرقه‌ها به عدد هفتاد و سه خود را به زحمت انداخته است. وی سپس طی هشت فصل به بیان و رد عقاید گروه‌های ذکر شده که آنان را از مسلمانان می‌داند می‌پردازد. مؤلف در بخش بعد به ذکر فرقه‌هایی می‌پردازد که به عقیده او از مسلمانان نیستند و خود را به اسلام بسته‌اند، که در این میان تعدادی از فرقه‌های غلات و بعضی از فرقه‌های خوارج و معتزله را نام می‌برد که این فرقه‌ها طبعاً در تقسیم فرق به هفتاد و سه لحاظ نشده‌اند. در بخش پایانی به ذکر عقاید و اصول اهل سنت و جماعت و اثبات آنها می‌پردازد.

برخی از ویژگی‌های این کتاب چنین است: بی‌طرف و منصف نبودن مؤلف، خروج از حد نزاکت، و وارد آوردن اتهامات فراوان به گروه‌های مخالف؛ به عنوان مثال، وی فرقه‌هایی با عنوان‌های هشامیه، زراریه، یونسیه و شیطانیه به نام اصحاب ائمه علیهم‌السلام ساخته و عقاید ناروایی را به آنان نسبت داده است. فخرالدین رازی (۵۴۳-۵۴۳-)

۶۰۶هـ.ق) درباره بی‌انصافی مؤلف این کتاب می‌نویسد: «وهذا الاستاذ (ابومنصور بغدادی) كان شديد التعصب على المخالفين ولا يكاد ينقل مذهبه على الوجه».

در این قسمت به برخی دیگر از متون اصلی علم ملل و نحل از جمله: الفصل فی الملل والاهواء والنحل نوشته ابن حزم ظاهری، التبصیر فی الدین و تمییز الفرقة الناجیة عن الفرق الهالکین نوشته ابومظفر اسفرائینی، بیان الادیان در شرح ادیان و مذاهب جاهلی و اسلامی نوشته ابوالمعالی محمد حسینی علوی، الفرق المقتربة بین اهل الزیغ و الزندقة نوشته ابومحمد عثمان بن عبدالله بن حسن عراقی حنفی، الملل والنحل نوشته ابوالفتح عبدالکریم بن ابی بکر احمد شهرستانی اشاره می‌شود.

۲۶

بغدادی نیز در گزارش خود از اندیشه‌های فرق نه تنها جهت‌دار است، بلکه از جهاتی گوی سبقت را از دیگر همکاران قبلی خود در دانش فرقه‌شناسی ربوده و دلخوش از اندیشه‌های کلامی - مذهبی خویش، دیگر اندیشه‌ها را یا خارج از اسلام می‌داند و یا بر آن مهر بدعت و ضلالت می‌زند.<sup>۱</sup> وی از این جهت که در فرقه‌های هالکه، بدعت‌گذار و گمراه (و در باور او غیر از اهل حدیث و رأی و اشاعره) هیچ پیشوایی در فقه، حدیث، تفسیر و حتی ادبیات و هیچ فرد موقفی در تاریخ نگاری وجود ندارد، خدا را شاکر است. همو مصداق فرقه ناجیه را پذیرش باورهای کلامی اهل حدیث دانسته و بر این اساس گروه‌های شیعی، معتزلی، خوارج و جهمیه و قدریه را از بدعت‌گذاران و گمراهان به حساب آورده و برای آنان از احکام مسلمانی تنها جواز دفن شدن در گورستان مسلمانان را صادر کرده است.<sup>۲</sup> طبیعی است که گزارشگری با این نگاه، نه تنها در معرفی عقاید و اندیشه‌های فرقه‌ای جانب اعتدال را رعایت نمی‌کند، بلکه در گزارش او از چگونگی شکل‌گیری، اسامی و القاب و تقسیم‌بندی این فرقه‌ها نیز تردید جدی وجود دارد.

۱. بغدادی، عبدالقاهر، الفرق بین الفرق، صص ۱۰-۱۱.

۲. همان، صص ۱۱-۱۴.

## ۲. الفصل يا الفصل فى الملل والأهواء والنحل

نوشته ابومحمد علی بن احمد معروف به ابن حزم اندلسی ظاهری (م ۴۵۶ق). نویسنده یکی از بزرگ‌ترین دانشمندان مذهب ظاهری است و در حقیقت می‌توان او را زنده کننده این مذهب، که بر ظاهر قرآن و حدیث و ابطال قیاس و رأی و استحسان تکیه دارد نامید. مذهب او در کتاب الفصل نیز بروز کرده و برای مثال در هنگام ذکر تأویلات مسیحیان از کتاب مقدس آن را خلاف ظاهر برشمرده است. بیش از صد و سی کتاب در موضوعات مختلف فقهی، اصولی، کلامی، تاریخی، رجالی، منطقی و ملل و نحل به وی منسوب است، که چهل و شش اثر از این مجموعه هم اکنون موجود است.

ابن حزم اندلسی با رویکردی تعصب آمیز تمامی مخالفان تفکر خود را به شدت محکوم کرده است که این رویه در سرتاسر کتاب نمایان است.

کتاب الفصل که بین سال‌های ۴۱۸ تا ۴۴۰هـ.ق. نگاشته شده است و یکی از بزرگ‌ترین کتب ملل و نحل به حساب می‌آید، درحقیقت به کتاب کلامی شبیه‌تر است تا به کتابی در ملل و نحل؛ زیرا بیشتر به طرح مباحث کلامی پرداخته و بخش مربوط به نقل اقوال ادیان و فرق، بسیار کمتر از مجموع کتاب است، و نیز با رد عقاید دیگران و اثبات عقیده خود وی همراه است.

بخش مربوط به علم ملل و نحل در دو فصل سامان یافته است؛ فصل اول که متعرض بیان عقاید ادیان دیگر شده است، شاید یکی از قدیمی‌ترین مباحث مفصل اسلامی در این زمینه محسوب شود. فصل دوم در بیان عقاید فرق اسلامی است. نویسنده فرقه‌های مقرر به اسلام را به پنج فرقه اصلی اهل سنت، معتزله، مرجئه، شیعه و خوارج تقسیم می‌کند و برای هر یک زیرفرقه‌هایی را برمی‌شمرد. ابن حزم در این کتاب، فرقه اهل سنت را که همان اصحاب حدیث متمسک به ظاهرند بر حق می‌داند و در هنگام نقل اقوال بقیه فرق، آنها را طبق مذهب خود رد می‌کند. از نکات جالب این کتاب اینکه مذهب فقهی ابوحنفیه را نیز از مرجئه دانسته و نیز در بخشی دیگر کیسانیه را زیرفرقه زیاده شمرده است.



در بخش عمده‌ای از کتاب که می‌توان آن را در موضوع فرقه‌شناسی اسلامی داخل دانست، مؤلف به خیال خود به جمع آوری اقوال کفرآمیز یا محال گروه‌های چهارگانه یعنی معتزله، خوارج، شیعه و مرجئه و به عبارت دیگر گروه‌های مخالف با اهل سنت و حدیث پرداخته است. وی این مبحث را با عنوان ذکر العظائم المخرجة الى الکفر او الى المحال من اقوال اهل البدع المعتزلة و الخوارج و المرجئة و الشيعة مطرح کرده است. مطالب فراوانی از این بخش اتهاماتی واهی و بدون اساس است؛ نمونه بارز این اتهامات را می‌توان در قسمت مربوط به شیعه تحت عنوان «ذکر شنع الشيعة» مشاهده کرد.

در میان کتاب‌های موجودی که به این موضوع پرداخته‌اند، *الفصل اولین* کتابی است که هم ادیان مختلف و هم فرقه‌های اسلامی را بررسی کرده است. گرچه نوبختی پیش‌تر چنین کاری را در *الآراء والديانات* انجام داده بود ولی آن کتاب هم اکنون در دسترس نیست.

با نگاهی اجمالی به کتاب پر حجم کلامی - *جدلی الفصل فی الملل و النحل* نیز تعصب فرقه‌ای و دشمنی افراطی او درباره فرقه‌هایی غیر از اهل حدیث و ظاهریه روشن می‌شود. برای شناخت جهت‌گیری او در داوری و جزم‌اندیشی وی در برخورد با فرقه‌ها، لازم نیست به محتوای کتاب نگاه کنید، بلکه سرفصل‌ها و عناوین انتخابی او در بیان عقاید شیعه، خوارج، مرجئه و معتزله بهترین شاهد بر این مدعاست وی نه تنها ریشه همه کفریات را شیعیان و صوفیه می‌داند، بلکه در بحث فرقه‌ها عقایدی را به شیعه نسبت می‌دهد و از فرقه‌هایی نام می‌برد که گویا هیچ وجود خارجی نداشته‌اند. حداقل می‌توان گفت که گزارش او نه بر اساس منابع اصلی و دیدگاه‌های بزرگان این تفکر، بلکه برگرفته از روایات شفاهی بوده است.<sup>۱</sup>

۱. ابن حزم اندلسی، علی بن احمد، *الفصل فی الملل و الامواء و النحل*، صص ۴۳، ۵۰-۴۶.

به هر حال نمی‌توان به گزارش‌های نویسنده‌ای که اهل تکفیر و تفسیق بوده و عقاید رقیبان خود را کفر صریح دانسته و حتی عقیده به «جهنمی بودن کسی که اصرار بر گناه کبیره داشته باشد» را حد اعلای کفر می‌داند<sup>۱</sup> کاملاً مطمئن بود؛ به ویژه اینکه وی در نقل اقوال دیگران هیچ گونه مدرکی نیز ارائه نمی‌کند.

### ۳. التَّبصِيرُ فِي الدِّينِ وَ تَمْيِيزُ الْفِرْقَةِ النَّاجِيَةِ عَنِ الْفِرْقِ الْهَالِكِينَ

نوشته ابومظفر طاهر بن محمد شافعی اسفرائینی (م ۴۷۱هـ.ق)، داماد و شاگرد عبدالقاهر بغدادی است و از کتاب‌های *الفرق بین الفرق و الملل والنحل* استادش تأثیر زیادی گرفته است. نویسنده دارای تفکر اشعری است و کتاب خود را نیز بر این مبنا نگاشته است و در آن از کتاب *الفرق بین الفرق* بغدادی تأثیر فراوانی گرفته است، اما موارد اختلاف فراوانی نیز با آن کتاب دارد؛ از جمله در بیان فرقه‌های هفتاد و دوگانه، مرجئه را برخلاف بغدادی به هفت فرقه تقسیم می‌کند و فرقه‌های بکریه و نجاریه را یک فرقه و فرقه‌های جهمیه و کرامیه را نیز یک فرقه به حساب می‌آورد و مانند بغدادی، فرقه ناجیه را اهل سنت و جماعت که شامل هر دو دسته اصحاب حدیث و رأی می‌شود می‌داند.

این کتاب پانزده باب دارد؛ در باب اول و دوم تاریخچه اختلاف و حدیث تفرقه و ذکر فرقه‌های مختلف به اجمال بیان شده است. از باب سوم تا باب دوازدهم عقاید فرقه‌های مختلف به تفصیل مطرح شده و مؤلف در بسیاری از موارد با بی‌ادبی و وارد کردن اتهام آنها را رد کرده است؛ به عنوان مثال در رد روافض (شیعیان) حدیث جعلی «*الروافض يهود هذه الامة*» را از قول پیامبر اکرم ﷺ نقل می‌کند و محقق کتاب در زیرنویس این نکته را متذکر می‌شود که آن را در کتب حدیثی نیافته است.

۱. همان، ص ۶۲.

در باب سیزدهم به ذکر فرقه‌هایی که از اسلام خارج‌اند پرداخته، و بسیاری از فرقه‌های غلات و نیز بعضی از فرقه‌های خوارج را تحت این عنوان ذکر کرده است. باب چهاردهم به ذکر عقاید و ادیان قبل از اسلام، مانند بت‌پرستان، سوفسطایی‌ها، مجوس، یهود و نصارا اختصاص یافته است. این باب یکی از جهات اختلاف این کتاب با *الفرق بین الفرق* بغدادی است که اختصاص به ذکر فرقه‌های اسلامی دارد. باب پانزدهم در بیان اثبات عقاید اهل سنت و جماعت است.

#### ۴. بیان‌الادیان در شرح‌الادیان و مذاهب جاهلی و اسلامی

نوشته *ابوالمعالی محمد حسینی علوی* نویسنده کتاب خود را به احتمال قوی در سال ۴۸۵ه.ق. به زبان فارسی تألیف کرده است و شاید اولین کتابی باشد که در این علم به فارسی تألیف شده است. نویسنده کتاب، آن را در پنج باب تدوین کرده است؛ در باب اول به خداپرستی بیشتر اقوام و ملل در طول تاریخ اشاره کرده است. در باب دوم ادیان و مذاهب پیش از اسلام را بیان کرده و در باب سوم به ذکر حدیث تفرقه و انطباق فرقه‌های اسلامی با این حدیث پرداخته است. در این باب فرقه‌های اصلی اسلام را به هشت فرقه سنت و جماعت، معتزله، شیعه، خوارج، مجبره، مشبهه و کرامیه، صوفیه و مرجئه تقسیم می‌کند و سپس زیرفرقه‌های آنها را برمی‌شمرد. در باب چهارم به ذکر عقاید گروه‌های هشت گانه می‌پردازد. از ملاحظه این باب کمال انصاف مؤلف در نقل اقوال فرقه‌ها به دست می‌آید و حتی در نهایت نظر مؤلف درباره فرقه ناجیه روشن نمی‌شود. در باب پنجم به ذکر گروه‌های مدعی نبوت و الوهیت و قیام‌هایی که با این مدعاها صورت گرفته پرداخته است؛ در اینجا علاوه بر مسیلمه و اسود عنسی که در صدر اسلام ادعای نبوت کردند، بعضی از افراد همانند مختار و نیز بعضی از گروه‌های غلات را ذکر می‌کند. به نظر می‌رسد درباره مختار از حد بی‌طرفی خارج شده و به گفته‌های متعصبان اهل سنت تکیه کرده است.

بیان‌الادیان اولین اثری است که در آن از ناصر خسرو و فرقه ناصریه سخن به میان می‌آید. ابوالمعالی همچنین از حسن صباح و فرقه صباحیه سخن به میان می‌آورد، اما از قلعه الموت سخنی نمی‌گوید. وی در این کتاب آشکارا به مخالفت با اسماعیلیه می‌پردازد.

از مهم‌ترین منابع ابوالمعالی برای نگارش بیان‌الادیان می‌توان به کتاب البدء و التاریخ مقدسی، الامد علی‌الابد ابوالحسن عامری، آراء الهند ابوریحان بیرونی، المقالات ابوعیسی وراق، المقالات ابوالقاسم بلخی، کامل مبرد و المقنع فی الغیبه اثر سید مرتضی علم‌الهدی اشاره نمود.

#### نویسنده

درباره نویسنده بیان‌الادیان اطلاعات چندانی در دست نیست. تنها از خلال اشارات موجود در کتاب می‌توان به آگاهی‌هایی درباره او رسید و شهرت او بیشتر وامدار همین کتاب است. قاضی ابوالفتح بلخی عبدالرحیم بن عبدالله (۴۵۰ه.ق) از مشایخ حدیث او است و بنابر تبارنامه‌ای که در کتاب برای خویش آورده، آشکار می‌گردد که از سادات است و نسبش به امام زین العابدین علیه السلام می‌رسد.

#### تاریخ نگارش

ابوالمعالی خود تاریخ تألیف کتاب را ۲۳۰ سال پس از ولادت امام دوازدهم علیه السلام شیعیه گزارش کرده و با توجه به اینکه سال ولادت آن امام را ۲۵۵ه.ق. می‌داند<sup>۱</sup> بیان‌الادیان می‌بایست در ۴۸۵ه.ق. تألیف شده باشد، اما به گزارش فتح‌الله مجتبایی، در نسخه‌ای خطی از بیان‌الادیان موجود در هندوستان، سال تألیف آن ۵۲۵ه.ق. یاد شده است. ظاهراً این نسخه همان نسخه لاهور است که محمدتقی دانش‌پژوه آن را وصف کرده است.

۱. بیان‌الادیان، ص ۴۴.

با این وصف احتمالاً بیان الادیان قدیمی‌ترین کتابی است که اکنون درباره ملل و نحل به زبان فارسی در دست است. البته در بخشی از کتاب السواد الاعظم تألیف حکیم سمرقندی که ترجمه فارسی آن مربوط به قرن چهارم هجری قمری است سخن از ۷۳ فرقه به میان آمده است. از این رو متن مذکور را باید مقدم بر بیان الادیان دانست، اما تمامی آن کتاب به ملل و نحل اختصاص ندارد.<sup>۱</sup>

### مکان نگارش

ابوالمعالی در مقدمه کتابش به مجلس پادشاهی اشاره می‌کند که در آن از ادیان و مذاهب جاهلی و اسلامی و اعتقادات ایشان سخن گفته می‌شده<sup>۲</sup> و ظاهراً بیان الادیان به دنبال این مذاکرات نوشته شده است. شفر با توجه به برخی مطالب کتاب درباره شهر غزنه<sup>۳</sup>، حدس می‌زند که بیان الادیان در این شهر نوشته شده و پادشاه مذکور کسی جز سلطان غزنوی مسعود بن ابراهیم نباشد.<sup>۴</sup> اما با توجه به آنکه دوران سلطنت مسعود بن ابراهیم از ۴۹۲ ه.ق. به بعد آغاز می‌شود و این امر با سال تألیف بیان الادیان در ۴۸۵ ه.ق. هماهنگی ندارد، می‌توان گفت که حدس شفر درباره پادشاه مزبور اشتباه است و بیان الادیان در دوران ابراهیم بن مسعود (حکومت ۴۵۱-۴۹۲ ه.ق.) تألیف شده است.

### ویژگی‌های اثر

به نثر فصیح فارسی تألیف شده است.

۱. حکیم سمرقندی، اسحاق بن محمد، السواد الاعظم، صص ۱۶۶-۱۹۰.

۲. بیان الادیان، ص ۲.

۳. نك: همان، صص ۱۷ و ۳۹.

4. Notice sur le kitab beian il-edian, p133.

- از ویژگی‌های بیان‌الادیان اطلاعات و گزارش‌هایی است که مؤلف از برخی وقایع زمان خود به دست داده است. ابوالمعالی که معاصر ناصر خسرو بوده، از وی و فعالیت‌ها و آثارش با دشمنی یاد می‌کند.
  - بیان‌الادیان اولین اثری است که در آن از ناصر خسرو و فرقه ناصریه سخن به میان می‌آید و اطلاعاتی که مؤلف در این باره می‌دهد، با گزارش‌های خود ناصر خسرو هماهنگی دارد.<sup>۱</sup>
  - وی همچنین از حسن صباح و فرقه صباحیه سخن به میان می‌آورد، اما از قلعه الموت ذکر نمی‌کند.<sup>۲</sup>
  - تأثیر گزارش‌های ابوالمعالی درباره دو فرقه ناصریه و صباحیه را در منابع پس از او می‌توان مشاهده کرد.<sup>۳</sup>
- ابوالمعالی آشکارا به مخالفت با اسماعیلیه می‌پردازد و در معرفی آنان، در مواردی تحت تأثیر منابع ضد اسماعیلی است و در مواردی از کتب خود اسماعیلیان بدون اینکه صریحاً متذکر شود بهره می‌گیرد. وی در این باره به خصوص آثار ناصر خسرو را مورد توجه قرار داده است.<sup>۴</sup>

### ساختار

ابوالمعالی کتاب را به ۵ باب تقسیم کرده است:

«باب اول، در پیدا کردن آنکه در همه روزگاریها و به همه اقلیم‌ها بیشتر خلق به صانع عزوجل مقرر بوده‌اند و مقرند.

باب دوم، در بیان مذهب‌ها که پیش از اسلام داشته‌اند.

۱. بیان‌الادیان، ص ۳۹؛ مقدمه بر بیان‌الادیان، ص «ی»، ص ۱۳۳.

۲. بیان‌الادیان، چاپ اقبال، ص ۳۹.

۳. نك: فخرالدین، اعتقادات فرق المسلمین و المشركین، ص ۷۸؛ تبصرة العوام فی معرفة مقالات الانام، صص ۱۸۳-۱۸۴.

۴. بیان‌الادیان، صص ۳۶-۳۹.

باب سوم در بیان این خبر که پیامبر ﷺ گفت: امت من پس از من به هفتاد و سه فرقه شوند و اسناد آن خبر و شرح و معنی آن.

باب چهارم، در بیان مذهب‌های اسلام و پیدا کردن مقالات هر یکی و شرح القاب ایشان به استقصا.

باب پنجم، در پیدا کردن حکایات و نوادر گروهی که بیرون آمدند و دعوی‌های محال کردند، گروهی دعوی‌ خدایی و گروهی دعوی پیغمبری.<sup>۱</sup>

#### منابع اثر

ابوالمعالی درباره منابع کتاب خود می‌گوید:

«در این ابواب آنچه گفتیم و بنوشتیم از خویشتن نگفتیم بلکه از آموخته و خوانده گفتیم، چه آنچه پیش استادان و امامان خواندیم و چه آنچه به تلقّف یاد گرفتیم و چه آنچه از کتب معروفان التقاط کردیم و بیشتر از نام استادان و نام آن کتب یاد کردیم...»<sup>۲</sup>.

ابوالمعالی در چند جای اثر خویش به نام کتاب‌ها یا نویسندگانی که از آنها نقل کرده است، اشاره می‌کند که از مهم‌ترین آنها می‌توان *البدء و التاريخ مقدسی*، *الامد علی الابد ابوالحسن عامری*، *آراء الهند ابوریحان بیرونی*، *المقالات ابوعیسی وراق*، *المقالات ابوالقاسم بلخی*، *کامل مبرد* و *المقنع فی الغیبة* اثر سید مرتضی علم الهدی نام برد.<sup>۳</sup>

#### ۵. الفِرْقُ الْمُفْتَرِقَةُ بَيْنَ أَهْلِ الزَّيْغِ وَالزُّنْدَقَةِ

نوشته ابومحمد عثمان بن عبدالله بن حسن عراقی حنفی (م حدود ۵۰۰ه.ق.) مؤلف در آغاز شمه‌ای از تاریخ اختلاف بین مسلمانان را بیان می‌کند و آغاز آن را

۱. همان، صص ۲-۳.

۲. همان، ص ۳.

۳. همان، صص ۴۱، ۸۱، ۶، ۵ و صص ۵۳-۵۴.

هنگام قتل عثمان می‌داند سپس به بیان حدیث تفرقه می‌پردازد و برای رسیدن به عدد هفتاد و سه تقسیم بندی بدیعی ارائه می‌کند، بدین ترتیب که فرقه‌های اسلامی را به شش فرقه اصلی ناصبیه، رافضه، جبریه، قدریه، مشبهه و معطله تقسیم می‌کند و برای هر فرقه اصلی دوازده زیرفرقه ذکر می‌کند و بدین ترتیب عدد هفتاد و دو به دست می‌آید، و فرقه هفتاد و سوم را که اهل نجات‌اند، همان فرقه اهل سنت و جماعت می‌داند. سپس به بیان برخی از عقاید گروه‌های هفتاد و دوگانه می‌پردازد و هر عقیده را برطبق مبانی خود رد می‌کند.

نکته قابل توجه در این کتاب این است که ضمن شمردن فرقه‌های دوازده‌گانه روافض (شیعیان) ده فرقه از آنها را از غلات ذکر می‌کند و دوفرقه دیگر را زیدیه و امامیه می‌داند.

#### د) منابع قرن ششم هجری

##### ۱. المِلَلُ وَالنَّحَلُ

نوشته ابوالفتح محمد بن ابوالقاسم عبدالکریم بن ابوبکر احمد شهرستانی (۴۷۹-۵۴۸هـ)، مُتَكَلِّم شافعی اشعری، فقیه اصولی، فیلسوف و ملقب به افضل، حُجَّةُ الْحَقِّ و تاج‌الدین، از اندیشمندان بزرگ تاریخ علوم در ایران است که بیشتر به سبب نگارش کتاب مِلَل و نَحَل (آیین‌ها و کیش‌ها) شهرت دارد. ملل و نحل مروری جامع و مُفَصَّل بر ادیان، فرق، مذاهب، مکاتب و نحله‌های فلسفی گوناگون است.

### آثار شهرستانی<sup>۱</sup>

|                                               |                              |                                              |
|-----------------------------------------------|------------------------------|----------------------------------------------|
| ردّ شُبّهات ارسطو طاليس<br>و ابن سینا و نقضها | غایة المرام فی علم<br>الكلام | الملل و النحل                                |
| الارشاد الى عقائد العباد                      | الاقطار فی الاصول            | تلخیص الاقسام لمذاهب<br>الانام فی علم الکلام |
| المناهج و الآیات                              | العیون و الآثار              | دقایق الاوهام                                |

مشهورترین اثر وی بعد از ملل و نحل، مُصارعة الفلاسفة یا المُصارعة یا المُصارعات است که ردیه‌ای بر برخی مدعیات.

بوعلی سینا (۴۲۸-۳۷۰ه‍.ق) است. خواجه نصیرالدین طوسی (۵۹۷-۶۷۲ه‍.ق)

بر کتاب المصارعة شهرستانی ردیه‌ای به نام مُصارع المُصارع نوشته است.<sup>۲</sup>

چنان‌که گفته شد، این کتاب به‌طور جامع و مفصل به فرقه‌های اسلامی و ادیان پرداخته است و نیز نظم و ترتیب بدیعی دارد. از این‌رو به این کتاب توجه کرده‌اند و آن را مشهورترین و اصلی‌ترین کتاب ملل و نحل دانسته‌اند. در بعضی از نوشته‌ها نویسندگان فیلسوف و متکلم معرفی شده و لقب «افضل» گرفته است. نوشته‌های او را در زمینه‌های فلسفه و تاریخ آن، کلام، تفسیر و ملل و نحل دانسته‌اند. یکی از مخالفان فلسفه می‌گوید که اگر دفاع او از فیلسوفان نبود، می‌توانست به‌عنوان امام مطرح باشد.

نویسنده پس از بیان مقدماتی، کتاب خود را در دو بخش سامان می‌دهد. بخش اول اختصاص به دیانات و ملل دارد و بخش دوم به بحث و بررسی در پیرامون اهواء و نحل می‌پردازد. مقدمه ملل و نحل شامل تقسیم اجمالی همه مردم دنیا، تعیین قانون و ضابطه برای تقسیم بندی فرقه‌های اسلامی و تاریخ ایجاد شبهه در میان عموم مردم

۱. تاریخ الحكماء، زُرکلی، خیرالدین بن محمود، الاعلام؛ ج ۶، ص ۲۱۵.

۲. الامین، سید حسن، مستدرکات اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۲۳۴.

و بویژه فرقه‌های اسلامی است و در مقدمه پایانی درباره برگزیدن روش خاص خود در ترتیب بندی کتاب بحث می‌کند. وی هنگام بیان ضابطه برای تقسیم بندی فرقه‌های اسلامی، همه اختلافات مسلمانان را در چهار قاعده منحصر می‌کند.

قاعده اول: صفات خداوند و اختلاف بر سر وحدت یا تعدد صفات، که آن را شامل مسائلی همچون صفات ازلی، صفات ذاتی و صفات فعل و اختلافات بر سر آنها می‌داند.

قاعده دوم: قدر و مسأله عدل، که آن را شامل مسائل قضا و قدر، جبر و کسب، اراده خیر و شر، مقدور و معلوم می‌داند و اختلافات گروه‌های مختلف اسلامی را بر سر این مسائل بیان می‌کند.

قاعده سوم: وعد و وعید، اسما و احکام، که آن را شامل مسائلی همچون ایمان، توبه، وعید، ارجاء، تکفیر و تضلیل می‌داند.

قاعده چهارم: سمع و عقل، رسالت و امامت، که آن را شامل مسائلی همچون تحسین و تقبیح، صلاح و اصلح، لطف و عصمت در نبوت و شرایط امامت می‌داند.

آنگاه می‌گوید اگر یکی از پیشوایان امت به یکی از مقالات فوق قائل شد، مقاله او را مذهب و جماعت او را فرقه به حساب می‌آوریم. به عبارت دیگر شرط در تشکیل فرقه از نظر او دو چیز است: اول آنکه به یکی از مقالات فوق قایل باشد و دوم آنکه قائل از پیشوایان امت باشد که بتوان برای او پیروانی جستجو کرد، تا عنوان فرقه بر جماعت آنان صدق کند. وی سپس با توجه به اختلاف نظر در مقالات فوق، فرقه‌های اسلامی را به چهار گروه بزرگ قدریه، صفاتیه، خوارج و شیعه تقسیم می‌کند و تداخل گروه‌های کوچک را باعث به وجود آمدن عدد هفتاد و سه می‌داند.

مؤلف در بخش اول درباره دیانات و ملل بحث می‌کند. وی می‌گوید ملاک افتراق دیانات و ملل از اهواء و نحل این است که صاحبان دیانات و ملل اعتقادات خود را مستند به غیر خود که پیامبر باشد می‌کنند اما اهل اهواء و نحل، رأی و اعتقادی را بدون استناد به پیامبر اخذ می‌کنند که درباره گروه اول لغت «مستفید» و درباره گروه

دوم لغت «مستبد» را به کار می‌برد. این بخش خود به دو فصل مسلمانان و غیر مسلمانان تقسیم می‌شود و اختلاف مسلمانان را نیز در دو قسمت اصول و فروع بیان می‌کند؛ در بخش اصول و مسائل کلامی به ذکر فرقه‌های مختلف اسلامی و اقوال آنها درباره چهار قاعده مذکور می‌پردازد.

فخرالدین رازی معتقد است که شهرستانی این بخش را از کتاب *الفرق بین الفرق* بغدادی که فردی متعصب بوده گرفته است؛ لذا آن را بی‌اعتبار می‌داند. اما با مقایسه این دو کتاب - گرچه موارد مشابه فراوان دارند - نمی‌توانیم نظر فخرالدین رازی را به طور کلی تأیید کنیم؛ برای نمونه یکی از موارد اختلاف بین آن دو این است که شهرستانی بدون اظهار نظر خود به ذکر معتقدات فرقه‌ها می‌پردازد؛ علاوه بر آنکه در موارد بسیاری در عنوان فرقه‌ها و عقاید آنها باهم اختلاف دارند.

### مذهب شهرستانی

شهرستانی گاهی به تشیع متهم می‌شود و گاهی به باطنی‌گری و اسماعیلی و گاهی از طرف برخی منتقدان به الحاد و غرق شدن در ظلمت فلسفی.<sup>۱</sup> این در حالی است که خیلی از بزرگان همچون سمعانی، ابن خلکان، ابن تغری بردی، یاقوت حموی، ابی الفدا و ابن عماد حنبلی از او با عنوان امام و پیشوا یاد کرده‌اند.<sup>۲</sup>

ابن تیمیه در *منهاج السنه* در جواب کسانی که وی را متهم به باطنی‌گری و اسماعیلی و از متعصبان سخت شیعی معرفی کرده‌اند ایراد گرفته و اظهار داشته است که شهرستانی به موارد زیادی از امور شیعیان و اسماعیلیان اشاره و پرداخته

۱. ذهبی، *سیر اعلام النبلاء*، ج ۲۰، ص ۲۸۸، صفدی، *خلیل الوافی بالوفیات*، ج ۳، ص ۲۲۹، شیخ عباس قمی، *الکنى و الالقباب*، ج ۲، ص ۳۷۴.

۲. یاقوت حموی، *پیشین*، ص ۳۷۷، ابن خلکان، *پیشین*، ج ۴، ص ۲۷۴، ذهبی، *تاریخ الاسلام*، ج ۳۷، ص ۳۷۷.

است و این دلیلی نمی‌شود که او شیعی یا اسماعیلی باشد. در حقیقت شخصیت او به گونه‌ای است که او را به وجهی شیعه و به وجهی اشعری نامیده‌اند.<sup>۱</sup> آقا بزرگ تهرانی در الذریعه ضمن تجلیل از ملل و نحل شهرستانی می‌گوید: ملل و نحل شهرستانی نیکوترین کتاب در این باب است که قدما نوشته‌اند و او نسبت به مذهب خود اظهار تعصب چندانی ننموده است.<sup>۲</sup>

در مورد شهرستانی ما با مشکلات و پیچیدگی‌های بیشتری رو به رو هستیم؛ از جمله اینکه بررسی‌های اخیر آثار شهرستانی مانند مصارعة الفلاسفه، مجلس و مفاتیح الأسرار و مصابیح الأبرار این نکته را روشن می‌کند که وی از سنت و آیین اسماعیلی - و به بیان دقیق‌تر از فرقه نزاریه اسماعیلیه - پیروی می‌کرده است. این نظر عقیده برخی از معاصران شهرستانی که او را به داشتن گرایش‌های شیعیانه متهم می‌کردند، تأیید می‌کند و بر تصورات افزون بر چهارصد ساله دانشمندان غربی، که شهرستانی را پیرو مذهب سنی اشعری می‌پنداشتند، خطّ بطلانی می‌کشد.

#### بررسی کتاب

شهرستانی تمامی فرق و مذاهبی را که تا عصر خویش می‌شناخته، معرفی کرده است. مرجع وی مطالعه مستقیم آرا و اندیشه‌های مکتوب در کتاب‌ها و رسایل گوناگون و شنیده‌های شفاهی از بزرگان است.<sup>۳</sup> شهرستانی در ابتدای ملل و نحل شرط کرده که بدون کاستی و تعصب و به شکل کامل درباره فرق و مذاهب بحث کند چه عقاید آنها صحیح و چه نظرشان فاسد باشد.<sup>۴</sup>

۱. ابن تیمیه، پیشین، ج ۶، ص ۳۰۵.

۲. آقا بزرگ تهرانی، الذریعه، ج ۶، ص ۲۲۱.

۳. همان، ص ۱۱.

۴. همان.

روش شهرستانی در تبیین و توضیح مطالب بدین صورت است که بی‌پرده به هر مسأله‌ای پرداخته و خود را در نقل مطالب بی‌طرف و دور از هرگونه پیش‌داوری معرفی کرده است. وی در ابتدای ملل و نحل، در مقدمه چهارم مطالبی را بیان کرده که مبین شخصیت چند گونه وی است. او ریشه پراکندگی و انشعاب را در اسلام ده عامل برشمرده است و به سبب اظهاراتش در این موارد ده گانه، مورد تحسین برخی قرار گرفته و در مقابل، برخی وی را به عدم آگاهی از تاریخ اسلام و علم حدیث متهم کرده‌اند.<sup>۱</sup>

شهرستانی در مقدمه طولانی خودش که با خطبه آغازین شروع می‌شود، پنج فصل زیر را مطرح می‌کند:

۱. بیان هدف و غرض از تألیف کتاب ملل و نحل؛
۲. بیان روشی که در تدوین کتاب به کار برده است؛
۳. تبیین سرچشمه‌های اختلافات فرقه‌ای؛
۴. توضیح نحوه ظهور و بروز این انحرافات و اختلافات فرقه‌ای در عالم؛
۵. ذکر اصول ریاضی که وی درصدد استفاده از آنها در سازماندهی مطالب خودش است.

شهرستانی که در کتاب خودش تمامی فرق را به طور کلی به دو بخش تقسیم می‌کند:

۱. اهل ادیان و جوامع دینی شناخته شده (أرباب دیانات) مانند مجوسی‌ها، یهودیان، نصاری و مسلمانان؛
۲. صاحبان دین‌ها و کیش‌های خود ساخته (أهل الأهواء و الآراء) مثل فلاسفه، دهریه، صابئین، پرستندگان ستاره‌ها و بتان و براهمه هندی.

۱. همان، صص ۲۸-۲۷؛ ابن تیمیه، منهاج السنة النبویه، ج ۶، صص ۳۱۸-۳۱۹، ۳۲۴، ۳۴۷، ۳۵۰.

بنا به توضیح شهرستانی، هر یک از این جوامع دینی و فلسفی، خود به زیر شاخه‌ها و فرّقه متعددی تقسیم می‌گردند، اگرچه تعداد زیر شاخه‌ها یا فرّقه گوناگون صاحبان آرای باطل و دین‌های خود ساخته مشخص نیست و به عدد معینی محصور نمی‌شود، اما تعداد فرقه‌ها در هر یک از جوامع دینی بنا بر یک حدیث نبوی عبارت است از: مجوسیان، هفتاد فرقه؛ یهودیان، هفتاد و یک فرقه؛ مسیحیان، هفتاد و دو فرقه؛ مسلمانان، هفتاد و سه فرقه.<sup>۱</sup> که تنها یک فرقه از این هفتاد و سه فرقه اهل نجات و رستگاری‌اند و به بهشت نائل می‌شوند.

شهرستانی توضیح می‌دهد که تمرّد و عصیان اولیه ابلیس، سبب به وجود آمدن انشعابات و فرق مختلف در جوامع دینی گردید. شهرستانی به تبع روایات قرآنی درباره ابلیس که در آیات بقره: ۳۴؛ اعراف: ۱۱؛ حجر: ۳۲-۳۱؛ اسراء: ۶۱؛ کهف: ۵۰؛ طه: ۱۱۶؛ ص: ۷۵-۷۴ وارد شده است، تمرّد اصلی شیطان از فرمان الاهی و در پی آن ملعون واقع شدن او را نقل می‌کند. وی با فاصله گرفتن از روایات قرآنی به بیان هفت مسئله که از سوی ابلیس مطرح گردید و حکمت خداوند را زیر سوال برد می‌پردازد.<sup>۲</sup> این هفت سؤال که از عصیان اولیه او نشئت گرفته بود، هفت شبهه ابلیس را تشکیل داد. به گفته شهرستانی این هفت شبهه، اساس هر گونه گمان باطل و ضلالت را که بنی‌آدم بعدها بدان دچار شدند بنا نهاد: «شبهاتی که در آخر الزمان پدیدار شدند به عینه همان شبهاتی بودند که در ابتدای خلقت مطرح شد».<sup>۳</sup> این شبهات «در میان انسان‌ها پراکنده گردید و در اذهان مردم رسوخ نمود، تا اینکه منشأ به وجود آمدن مذاهب بدعت و ضلالت

۱. شهرستانی، پیشین، صص ۱۰-۱۱.

۲. آقا بزرگ تهرانی، پیشین؛ ج ۶، صص ۱۴-۱۶.

۳. همان، ص ۱۹.

شدند.<sup>۱</sup> این شبهات هفت‌گانه، انگیزه، الگو و حدّ و مرزی شد برای تمام تفرّقات و انشعابات دینی که از آن پس در جوامع رخ داد: «اغلب در این اندیشه بودم و با خود می‌گفتم که به روشنی هر گونه شبهه‌ای که برای فرزندان آدم به وجود آمد تنها به خاطر اضلال شیطان رجیم بوده و وسوسه‌هایی که انسان‌ها گرفتار آن شدند از شبهات او ناشی شده است».<sup>۲</sup>

## ۲. الحُورُ العین

نوشته ابوسعید نشوان بن سعید حمیری (م ۵۷۳ ه‍.ق)

## ۳. تَلْبِیسِ إبْلِیس

ابوالفرج عبدالرحمن بن علی ابوالفضائل جمال‌الدین بغدادی معروف به ابن جوزی (م ۱۲ رمضان ۵۹۲)، فقیه، محدث، متکلم و تاریخ‌نگار حنبلی مذهب، بغدادی بود. نام او منسوب به محله فرضة الجوز در بغداد است.

وی به دانش‌های دیگر مانند اخلاق، فلسفه و پزشکی نیز توجه داشت. ابن جوزی از سیزده سالگی به تالیف پرداخت و تا پایان عمر از نوشتن باز نایستاد. ابوالفرج بن جوزی بیش از ۱۰۰ کتاب در رشته‌های گوناگون و در کل بیش از ۳۸۰ کتاب و رساله نوشت.

از کارهای بی‌سابقه ابن جوزی، بیان یک دوره تفسیر قرآن بر روی منبر است. تدریس بخش مهمی از زندگی اجتماعی ابن جوزی را دربرمی‌گرفت. وی در پنج مدرسه تدریس می‌کرده است.

ابن جوزی در ۸۶ سالگی در بغداد درگذشت و در گورستان بابُ الحَرَب خاکسپاری شد.

۱. همان، ص ۱۴.

۲. همان، صص ۱۶-۱۷.

### آثار مهم

|                    |                                         |                                       |                              |
|--------------------|-----------------------------------------|---------------------------------------|------------------------------|
| اسبابُ<br>النُّزول | کتاب اخبارالبرامکه<br>(تاریخچه برمکیان) | الذهب المسبوك في<br>سير الملوك        | نواسخ القرآن                 |
| روحُ الارواح       | تلقيح فهوم الاثر في<br>التاريخ و السير  | زاد المسير في علم<br>التفسير در ۴ بخش | ذم الهوى                     |
| مولدُ النَّبِيِّ   | تنوير الغيش في فضل<br>السودان و الحبش   | عجائب النساء<br>(شگفتی های زنان)      | تاريخ بيت<br>المقدس          |
| النُّطقُ المفهوم   | حسن السلوك الى<br>مواعظ الملوك          | اللباب في قصص<br>الانبياء             | أخبار الحمقى<br>والمغفلين    |
| سيرة العمرين       | الموضوعات من<br>الأحاديث المرفوعات      | المنتظم في تاريخ<br>الملوك والامم     | مناقب الامام<br>احمد بن حنبل |

### هـ) منابع نگاشته شده بعد از قرن ششم هجری

به نظر می‌رسد از قرن ششم به بعد و به خصوص پس از تألیف کتاب الملل والنحل شهرستانی، این علم دوران افول خود را آغاز کرده است. از این رو در میان ملل و نحل نویسان کمتر دیده می‌شود که به کتب پس از شهرستانی به عنوان منبع اصلی این علم استناد کنند. با این همه پس از قرن ششم کتبی در این علم نگاشته شد که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

#### ۱. إعتقادات فِرَق المسلمين و المشركين

امام فخرالدین ابو عبدالله محمد بن عمر بن حسین بن حسن بن علی تیمی طبرستانی مشهور به ابن خطیب رازی (م ۶۰۶ هـ) و امام المشککین از بزرگان متکلمین و خطبا و فیلسوف مشهور سده ششم هجری در ۲۵ رمضان سال ۵۴۳ یا ۵۴۴ در شهر ری زاده شد. محمد بن عمر فخر رازی یکی از مشاهیر علمی و ادبی اسلام شمرده می‌شود که در عصر خود از بزرگ‌ترین علما و حکمای اسلام بوده و در علوم معقول و منقول یعنی فلسفه، کلام، ریاضیات و فقه و اصول، تفسیر قرآن و

ادبیات استاد، صاحب نظر و مرجع فضلالی زمان محسوب می شده است. ایشان ابتدا نزد پدرشان که خطیب مشهوری بود درس خوانده و سپس نزد کمال سمعانی (سمنانی) مقدمات علوم و نزد مجدالدین جیلی علم کلام و حکمت آموخته و ضیاءالدین عمر و محمود بن حسن حمصی دیگر علوم را فرا گرفت. برای آموختن فلسفه بوعلی و فارابی به خراسان رفت و نتیجه کامل گرفت. ایشان در فروع دین، شافعی مذهب و در اصول عقاید کلامی، پیرو مذهب اشعری بود و با این وصف با علمای هم کیش خود همیشه در مجادله و مناظره بود. زندگی امام فخر، علی رغم تنگدستی در دوران نوجوانی، پس از ورود به خوارزم و ماوراءالنهر و سکونت چند ساله در دربار خوارزمشاهیان رونق یافت. از حوادث دردناک زندگی وی در سالهای پایانی زندگی، مرگ فرزند جوانش محمد در اواسط سال ۶۰۱ هـ در هرات بود. امام فخر در سالهای پایانی زندگی در هرات سکونت گزید. در اوایل سال ۶۰۶ هـ بیماری سختی گریبانگیر او شد و سرانجام روز عید فطر همین سال در ۶۲ سالگی در هرات درگذشت.

#### کتابشناسی

کتاب «اعتقادات فرق المسلمین و المشرکین» یکی دیگر از کتابهای امام فخرالدین رازی می باشد که به زبان عربی تالیف شده است. در پاورقی این کتاب توضیحاتی جامع و کامل راجع به مباحث موجود در کتاب آمده که توسط «طه عبدالرئوف سعد مصطفی الهواری» نوشته شده است و این قسمت به نام «المرشد الامین الی اعتقادات فرق المسلمین و المشرکین» نام گرفته است. از آنجا که فخررازی در بیان مطالب بسیار مختصر و موجز سخن گفته، این دو نویسنده سعی کرده اند تا توضیح بیشتری درباره مطالب و اعتقادات فرق بیاورند. فخررازی درباره اعتقادات فرق تنها به عقیده کلی حاکم بر فرقه ها اشاره کرده است اما در قسمت المرشد الامین... درباره جزئیات عقیده آنها نیز سخن آمده است.

## ساختار کتاب

| فصول                                                                               |                                                         | ابواب |  |
|------------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------|-------|--|
| فصل اول: اشتراکات سایر فرقه‌های معتزله                                             | شرح فرقه‌های معتزله                                     | اول   |  |
| فصل دوم: علت نام‌گذاری معتزله به این نام                                           |                                                         |       |  |
| فصل سوم: فرقه‌های معتزله، رد اندیشه معتزله                                         |                                                         |       |  |
| شرح فرقه خوارج، رد اندیشه خوارج، مقدمات فرقه رافضیه و زیدیه، زندگی نامه زید بن علی |                                                         | دوم   |  |
| رافضی‌ها، کیسانیه                                                                  |                                                         | سوم   |  |
| مشبهه (اهل تشبیه)، رد اندیشه اهل تشبیه                                             |                                                         | چهارم |  |
| فرق کرامیه                                                                         |                                                         | پنجم  |  |
| فرق جبریه                                                                          |                                                         | ششم   |  |
| فرق مرجئیه، پیدایش مذهب صوفیه                                                      |                                                         | هفتم  |  |
| احوال صوفیه، ذکر بعضی فرق اسلامی                                                   |                                                         | هشتم  |  |
| کسانی که تظاهر به اسلام می‌کردند ولی مسلمان نبودند.                                |                                                         | نهم   |  |
| فصل اول: شرح فرق یهود                                                              | فرقه‌هایی که حقیقتاً و اسماً از دایره اسلام خارج بودند. | دهم   |  |
| فصل دوم: شرح احوال نصرانی‌ها                                                       |                                                         |       |  |
| فصل سوم: فرق مجوس                                                                  |                                                         |       |  |
| فصل چهارم: الثنویه (دوخدایی‌ها)                                                    |                                                         |       |  |
| فصل پنجم: الصبائیه                                                                 |                                                         |       |  |
| فصل ششم: احوال فلاسفه                                                              |                                                         |       |  |

## ۲. تَبَصُّرَةُ الْعَوَامِ فِي مَعْرِفَةِ مَقَالَاتِ الْأَنَامِ

که آن را سید مرتضی بن داعی حسنی رازی به زبان فارسی در قرن هفتم هجری نگاشته است. مؤلف این کتاب شیعه است و در جای جای کتاب به دفاع از شیعه و رد اتهامات منسوب به آن می‌پردازد.

نام مؤلف در متن کتاب به صراحت نیامده است<sup>۱</sup> بنابراین اختلافاتی در تعیین نام نویسنده به وجود آمده است.

- علم الهدی
- سید مرتضی ثانی
- سید مرتضی رازی
- ابوالفتح رازی
- جمال الدین محمد بن حسین بن حسن رازی آبی

قول مشهور: سید مرتضی بن قاسم داعی حسنی رازی بنا بر قول مشهور، کتاب را مرتضی بن قاسم داعی حسنی رازی تألیف کرده است. اما این انتساب را نمی‌توان تأیید کرد، زیرا وی و برادرش، ابوحارث مجتبی بن داعی، هر دو از مشایخ منتجب الدین رازی (متوفی بعد از ۵۸۵هـ) بوده‌اند، اما منتجب الدین در آثار خود هیچ اشاره‌ای به چنین تألیفی از مرتضی بن قاسم نمی‌کند. بعلاوه، عدم تطبیق زمان تألیف تبصرة العوام با تاریخ حیات این شخص حاکی از نادرستی این قول است.<sup>۲</sup>

### تاریخ نگارش

تاریخ تقریبی نگارش این کتاب را می‌توان از گزارش‌های موجود در آن استفاده کرد. طبق نوشته مؤلف<sup>۳</sup> پیروان حسن صباح تا زمان وی باقی بوده و شوکت و مُکنت داشته‌اند. از آنجا که آنان تا حمله هولاکو در ۶۵۳هـ. قدرت را در دست داشته‌اند، این کتاب باید پیش از این تاریخ نگاشته شده باشد. همچنین

۱. افندی صفهانی، *ریاض العلماء و حیاض العلماء*، ج ۳، ص ۳۰۸.

۲. شبیری زنجانی، «مؤلف تبصرة العوام»، درس‌هایی از مکتب اسلام، ش ۱۰، صص ۵۵-۵۷؛ تبصرة العوام، مقدمة اقبال، ص (و-ح).

۳. تبصرة العوام، ص ۱۸۳.

صاحب اثر در چند جا<sup>۱</sup> با اشاره به آثار و شهرت فخر رازی (۵۴۳-۶۰۶ ه.ق.) نظر او را در کنار نظر باقلانی و غزالی می‌آورد و از یکی از مجالس وعظ او در خوارزم مطلبی نقل می‌کند. بدین ترتیب، تبصرة العوام در دوره شهرت فخر رازی و پیش از شکست پیروان حسن صباح، یعنی حدوداً بعد از سال ۶۰۰ و پیش از ۶۵۳، به نگارش درآمده است.<sup>۲</sup>

#### امتیازات کتاب

- اثری برای عامه
- نثری روان اما جامع
- لحن احتجاجی: یکی از مشخصه‌های کتاب، لحن احتجاجی نویسنده است که بر همه مطالب کتاب غلبه دارد. رازی در آغاز تصریح می‌کند که این کتاب را به خواهش «جماعتی از سادات عظام و علماء و غیرهم» نوشته است.<sup>۳</sup>

#### محتویات کتاب

تبصرة العوام در ۲۶ باب تنظیم شده و نویسنده فهرستی از باب‌های کتاب را در مقدمه ارائه داده است.<sup>۴</sup>

#### باب‌های اول تا سوم

باب نخست به «مقالات فلاسفه و امثال ایشان» اختصاص یافته<sup>۱</sup> که به طور کلی بر آراء ابونصر فارابی تکیه کرده<sup>۲</sup> و معتقد است که «این قوم را خبط بسیار

۱. همان، صص ۱۲۰ و ۱۷۵ و ۲۵۳.

۲. تبصرة العوام، مقدمة اقبال، ص (ب-ج، ز)؛ شبیری زنجانی، «مؤلف تبصرة العوام»، درس‌هایی از مکتب اسلام، ش ۸، صص ۴۷-۴۹؛ دانش‌پژوه، «کتابشناسی فرق و ادیان»، فرهنگ ایران زمین، ج ۱۲، صص ۱۰۲-۱۰۴؛ برای آگاهی از دیگر گزارش‌های مورد استناد در این باره رجوع کنید به شبیری زنجانی، پیشین، ش ۹، صص ۵۴-۵۷.

۳. تبصرة العوام، ص ۱.

۴. همان، صص ۲-۳.

است.<sup>۳</sup> دو باب بعدی به بیان «مقالات مجوس [زرتشتیان] و دین ایشان» و «بعضی مقالات جهودان [یهودیان]، ترسایان [مسیحیان] و صابئین [مندائیان]»<sup>۴</sup> پرداخته است.

#### باب‌های چهارم تا هجدهم

باب چهارم تا باب هجدهم، مشتمل بر «ذکر اصل فرق اسلامی و مقالات ایشان» است.<sup>۵</sup> وی در بیان فرق اسلامی، بنابر حدیث افتراق، تعداد فرقه‌ها را ۷۳ می‌داند، اما معتقد است که در اصل همه فرقه‌ها شاخه‌های دو فرقه اهل سنت و شیعه‌اند که دشمنان هر یک آنها را به ترتیب نواصب و روافض خوانده‌اند.<sup>۶</sup> احتمالاً نام تبصرة العوام فی تفصیل مذاهب الملتین<sup>۷</sup> که برای این کتاب ذکر شده، به این تقسیم بندی ناظر است.

مقدس اردبیلی<sup>۸</sup> می‌نویسد که الفصول التامة، اثر عربی منسوب به این مؤلف، بر اساس این دو فرقه تقسیم بندی شده است. مؤلف تبصرة العوام پس از طرح مسأله جانشینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و رد نظر اهل سنت<sup>۹</sup>، در فصل‌های بعد به ذکر فرقه‌های خوارج، معتزله، مُشَبَّه و مُجَسِّم می‌پردازد.<sup>۱۰</sup>

۱. همان، صص ۱۲-۴.

۲. همان، ص ۵.

۳. همان، ص ۱۰.

۴. همان، صص ۲۷-۲۲.

۵. همان، ص ۲۸ به بعد.

۶. همان، ص ۲۸.

۷. ر. ک: نفیسی، تاریخ نظم و نشر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری، ج ۱، ص ۱۳۰.

۸. حذیقه الشیعة، ج ۲، ص ۷۴۱.

۹. تبصرة العوام، صص ۲۹-۳۵.

۱۰. همان، صص ۳۸-۹۰.

حدیثی که مؤلف به نقل از کتاب قاضی محمد بن اسحاق زوزنی از پیامبر اکرم ﷺ در باب پیشگویی تمام جزئیات ظهور فرقه کرامیه و لعن آنها نقل می‌کند<sup>۱</sup> حکایت از مخالفت‌های شدید با ابوعبدالله کرام در آن دوره دارد. مؤلف مذاهب فقهی اهل سنت را در فصل مُشَبَّه طرح می‌کند و آنها را در تقسیم بندی نه چندان مرتبی هفت فرقه برمی‌شمارد.<sup>۲</sup> گزارش نسبتاً مفصل وی از عقاید اشعری برخلاف گزارش ابوالمعالی در بیان الادیان، احتمالاً نشانه‌ای از اطلاعات وسیع‌تر اوست.<sup>۳</sup>

مؤلف در باب دوازدهم به «مقالات اهل تناسخ»<sup>۴</sup> و در باب شانزدهم<sup>۵</sup> به فرقه‌های صوفیه نظر دارد و آنها را شش فرقه می‌داند (و جالب آنکه حلاج را ساحر می‌خواند). در باب بعد با طعنه اقوال بزرگان تصوف را از رساله قشیریه نقل می‌کند.<sup>۶</sup> به نظر وی صوفیان همه از اهل سنت‌اند و این دلیل محکمی بر محکومیت آنها است. ظاهراً در این دوره شیعیان به مراتب بیشتر از اهل سنت با صوفیه دشمنی می‌ورزیدند و احتمالاً از میان شیعه هنوز بزرگانی در تصوف برنخاسته بودند.<sup>۷</sup>

در باب‌های بعد به قومی که مدعی اهل سنت و جماعت بوده‌اند تعریض دارد، از جمله به عبدالقاهر بغدادی که در *الفرق بین الفرق*، فرقه خود را ناجی می‌داند.<sup>۸</sup>

۱. همان، ص ۶۵.

۲. همان، ص ۷۵؛ و ن. ک: باسانی، «دین در دوره سلجوقی»، در *تاریخ ایران کیمبریج*، ج ۵: از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان، ص ۲۷۲.

۳. همان، صص ۱۰۸-۱۲۲.

۴. همان، صص ۹۰-۸۷.

۵. همان، صص ۱۲۲-۱۳۳.

۶. همان، صص ۱۳۴-۱۴۱.

۷. باسانی، «دین در دوره سلجوقی»، پیشین، صص ۲۸۴-۲۸۵؛ صفا، *تاریخ ادبیات در ایران*، ج ۲، صص ۲۲۲-۲۲۳.

۸. *تبصرة العوام*، صص ۱۴۲-۱۶۵.

### باب‌های نوزدهم تا بیست و ششم

در ادامه مؤلف به مسائل دیگری از جمله فرقه‌های شیعی، ناجی بودن اثناعشریه، احادیثی در شان اهل بیت، عقاید اثناعشریه، حکایت فدک و فضایح بنی‌امیه پرداخته است.<sup>۱</sup> وی شیعه را به چهار فرقه تقسیم می‌کند که تا زمان وی باقی بوده‌اند: امامیان، زیدیان، اسماعیلیان، نُصَیرِیان، و فرقهٔ اخیر را نیز به هفده فرقهٔ کوچک‌تر تقسیم می‌کند. او<sup>۲</sup> می‌نویسد که این قوم را در هر جا با نامی می‌خوانند؛ در اصفهان خرمیه، در قزوین و ری مزدکی و سنبادی، در ماهین مُحَمَرّه، در آذربایجان قولیه و در ماوراءالنهر مُغان.<sup>۳</sup>

### ۳. الفِرَقُ الْإِسْلَامِیَّة

ابنِ ابی‌الدّمّ شهاب‌الدین ابواسحاق ابراهیم بن عبدالله بن عبدالمنعم همدانی حموی، مورّخ و قاضی شافعی اهل حمّاه سوریه (۵۸۳-۶۴۲هـ/۱۱۸۷-۱۱۴۴م). نسبت همدانی وی مربوط به قبیله بزرگی به نام همدان در یمن است.<sup>۴</sup> وی در صباوت به بغداد سفر کرد و به آموزش فقه و استماع حدیث پرداخت.<sup>۵</sup> در بغداد از الناصر لدین‌الله (خلافت ۵۷۵-۶۲۲هـ) خلعت گرفت و چون به حمّاه برگشت، خلعت خلیفه به تن او بود.<sup>۶</sup> در مصر، دمشق و حمّاه حدیث می‌گفت و جزء غطریف تألیف ابواحمد محمد بن احمد بن غطریف (د ۳۷۷هـ/۹۸۷م)، از احادیث قاضی ابوبکر طبری را تدریس می‌کرد.<sup>۷</sup> ابن ابی‌الدّمّ در مذهب شافعی امام بود و در ۶۲۲هـ از سوی الملک‌الناصر صاحب حمّاه به قضاوت آن شهر

۱. همان، صص ۱۶۷-۲۷۲.

۲. همان، صص ۱۸۰-۱۸۱.

۳. شهرستانی، الملل والنحل، ج ۱، ص ۲۸۹.

۴. محمد مصطفی، زحیلی، مقدمه بر کتاب ادب القضاء ابن ابی الدّم، ص ۸.

۵. ابن واصل، محمد، مفرج الکروب فی اخبار بنی اتوب، ج ۴، ص ۱۷۴؛ از ابن سکینه حدیث شنید؛ سبکی، عبدالوهاب، طبقات الشافعیة الکبری، ج ۸، ص ۱۱۶.

۶. ابن واصل، پیشین.

۷. ذهبی، محمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۲۳، ص ۱۲۶.

گمارده شد.<sup>۱</sup> گفته‌اند که وی برای جلب رضایت المستعصم بالله به تعیین ملک منصور حموی به حکومت میافارقین، که پس از ملک مظفر (۶۴۲هـ) بی‌حاکم شده بود به سفارت بغداد مأمور گشت و در راه بغداد در معرّه بیمار شد و به حمایه بازگشت و در همانجا در گذشت.<sup>۲</sup> شهاب دشتی از ابن ابی‌الدّم روایت کرده<sup>۳</sup> و مُزیز تقی‌الدین ابو‌محمد ادريس، محدث حمایه نیز از او استماع کرده است.<sup>۴</sup>

#### ۴. عدد الفرق وعدد الفرق

نوشته زین‌الدین سریجانی محمد ملطی (م ۷۸۸هـ).

#### ۵. کتاب المُنْيَةِ و الْأَمَلِ فِي شَرْحِ الْمَلَلِ وَ النُّحُلِ

نوشته احمد بن یحیی بن مرتضی یمان‌ی (م ۸۴۰هـ)، که بعضی او را از ائمه زیدیه دانسته‌اند.

احمد بن یحیی بن مرتضی، تحقیق توماس ارنلد، هند، ۱۳۱۶هـ.

#### ۶. الْخُطَطُ الْمَقْرِيزِيَّةُ الْمُسَمَّاةُ بِالْمَوَاعِظِ وَ الْإِعْتِبَارِ بِذِكْرِ الْخُطَطِ وَ الْأَثَارِ

تألیف تقی‌الدین احمد بن عبدالقادر معروف به مقریزی (م ۸۴۵هـ). این کتاب گرچه مربوط به بررسی اوضاع و احوال مصر و اقالیم آن است اما نویسنده در بخشی از آن به ذکر ادیان و فرق اسلامی پرداخته که همین بخش مورد استفاده بعضی از ملل و نحل نویسان قرار گرفته است.

۱. ابن‌واصل، پیشین، ص ۱۲۴.

۲. هوار، کلّمان، «ادبیات جغرافی نگاری و تاریخ نگاری در اسلام»، ص ۸۲.

۳. ذهبی، پیشین: سبکی، پیشین، ج ۸، صص ۱۱۴-۱۱۸، ۳۳۴-۳۳۶.

۴. ابن‌صابونی، محمد، تکملة الاکمال، ص ۲۹۵.

## ساختار کتاب

کتاب با مقدمه مؤلف آغاز و مطالب در چهار جلد و هر جلد در چندین قسمت ارائه شده است. مباحث درباره آثار تمدنی مصر اخبار شهرهای بزرگ و شرح حال دول آن بوده و نویسنده اخبار آثار مصر را از اقوام سلف و قرون گذشته گرد آورده و به یاد کرد بناهایی که در فسطاط بوده و هست و نیز قصرهای معروف شهر قاهره، محله‌ها، نواحی و بناهای بدیع آن، به بیان سرگذشت بزرگان و برجستگان بنیان گذار این شهر پرداخته است. به دلیل نامشخص بودن زمان‌ها وی نتوانسته اثرش را بر اساس نظم زمانی تهیه کند، لذا پایه کار خود را بر حسب سرزمین‌ها و یا مناطق و تا حد اندکی نظم منطقی موضوعات تنظیم نموده است.

کوشش و معرفت وسیع نویسنده حیرت آور است؛ چنان‌که قسمت زیادی از مطالب او در جای دیگر نیامده و اگر روایت او نبود به کلی از میان می‌رفت. وی سبکی ساده روشن و دل‌پذیر دارد و از درازنویسی و حماسه‌گویی به دور است. به همین ملاحظات به اتفاق همگان و بی‌گفت‌وگو کتاب در حدود مطالبی که فراهم آورده بسیار گران قدر است.

## موضوع فرق

مؤلف در بخشی از مباحث به بررسی فرقه‌ها و عقاید آنان نیز پرداخته است. وی در این بخش از ده فرقه اصلی به‌عنوان فرقه‌های از میان رفته سخن گفته و از آن پس به بررسی فرقه‌ای که نماینده کنونی اندیشه اسلامی - در زمان حیات وی - می‌باشد پرداخته است. ده فرقه‌ای که از دیدگاه او از میان رفته‌اند عبارتند از: معتزله، مشبهه، قدریه، مجبره، مرجئه، حروریه، نجاریه، جهمیه، روافض و خوارج. وی برخلاف برخی از دیگر منابع فرقه‌شناختی که تنها به عقاید بسنده می‌کرده‌اند گاه به سیر تحول درونی فرقه‌ها نیز پرداخته است؛ هر

چند کتاب او نیز بسان بسیاری از دیگر منابع، تحت تأثیر تعصب فرقه‌ای است، تا جایی که پس از تبیین مذهب اشعری می‌نویسد: «هر کس بر خلاف این مذهب، مذهبی دیگر آشکار سازد، خونس ریخته شود.»

### جمع بندی

از آنجا که گزارش‌های تاریخی، تفسیری و حدیثی که به‌عنوان مهم‌ترین راه‌های شناخت آیات قرآن و سیره و سخنان پیامبر ﷺ می‌باشد از پیش فرض‌ها و گرایش‌های فرقه‌ای در امان نمانده است و هر کس مدعی فهم و گزارش واقعی آن است. و از طرف دیگر ما در شناخت فرهنگ اسلامی که در طول زمان و به‌ویژه در سه قرن نخست در اندیشه‌ها و عقاید فرق و مذاهب اسلامی متبلور شد نیز با مشکلات بیشتری روبرو هستیم، تنها راه بازیابی آرا و اندیشه‌های متفاوت و ناهمگون فرقه‌های اسلامی و تمایز عقاید هر کدام از آنها، منابع مکتوب گذشته است که آنها نیز در گزارش و تحلیل خود بی‌نصیب از تناقضات و حب و بغض‌های فرقه‌ای و مذهبی نبوده و نیستند.

لذا ضروری است به منظور شناخت بیشتر و عالمانه‌تر اندیشه‌ها، رفتارها، اسامی و سیر تاریخی اندیشه‌های مذهبی و عوامل شکل‌گیری اختلافات فرقه‌ای به مجموعه گزارش‌ها توجه کنیم و منصفانه‌تر اینکه در صورت مواجهه با اختلاف دیدگاه‌ها درباره هر یک از فرق، داوری نهایی را به منابع و آثار خود آنها واگذار کنیم؛ چرا که «اهل البیت ادری بما فی البیت».

در این نوشتار نیز سعی بر آن شد تا با بررسی اهم منابع ملل و نحل نگاشته شده در اسلام چگونگی پیدایش فرق و اجمالی از اعتقادات آنها را از زبان منابع مختلف مورد بررسی قرار دهیم.

## منابع

### قرآن کریم

۱. آقا بزرگ تهرانی، *الذریعة*، [بی جا]: [بی نا]، [بی تا].
۲. ابن ابی الحدید، عبدالحمید، *شرح نهج البلاغه*، به کوشش محمدابوالفضل ابراهیم، قاهره: [بی نا]، ۱۳۷۹ ه.ق.
۳. ابن تیمیه، *منهاج السنة النبویة*، تحقیق محمد رشاد سالم، [بی جا]: دارالنشر مؤسسه قرطبه، ۱۴۰۶ ه.ق.
۴. ابن خلکان، *وفیات الاعیان*.
۵. ابن صابونی، محمد، *تکملة الاکمال*، به کوشش مصطفی جواد، بغداد: [بی نا]، ۱۳۷۷ ه.ق.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، محقق / مصحح: میردامادی، جمال الدین. بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ ه.ق.
۷. ابن واصل، محمد، *مفرج الکروب فی اخبار بنی آیوب*، به کوشش حسنین محمد ربیع و سعید عبدالفتاح عاشور، قاهره: [بی نا]، ۱۹۷۲ م.
۸. امین، حسن، *مستدرکات اعیان الشیعه*، بیروت: دارالتعارف، ۱۴۱۸ ه.ق.
۹. باسانی، «دین در دوره سلجوقی»، *تاریخ ایران کمبریج*، [بی جا]: [بی نا]، [بی تا].
۱۰. تهذیب / التهذیب، حیدرآباد: [بی نا]، [بی تا].
۱۱. جعفر سبحانی، *فرهنگ عقاید و مذاهب اسلامی*، چ ۱، [بی جا]: انتشارات توحید، ۱۳۷۱.
۱۲. حاجی خلیفه، *کشف الظنون*، [بی جا]: [بی نا]، [بی تا].
۱۳. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، *تاج العروس من جواهر القاموس*، محقق / مصحح: علی هلالی و علی سیری، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ ه.ق.



۱۴. ذهبی، محمد، *سیر اعلام النبلاء*، به کوشش بشار عواد معروف و محیی هلال السرحان، بیروت: [بی‌نا]، ۱۴۰۵ ه‍.ق.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات ألفاظ القرآن*، محقق / مصحح: داوودی، صفوان عدنان، بیروت: دار القلم - الدار الشامیة، ۱۴۱۲ ه‍.ق.
۱۶. زحیلی، محمد مصطفی، *مقدمه بر کتاب ادب القضاء ابن ابی الدم*، دمشق: [بی‌نا]، ۱۳۹۵ ه‍.ق.
۱۷. زرکلی، *الاعلام*، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۸۰ م.
۱۸. سبکی، عبدالوهاب، *طبقات الشافعية الكبرى*، به کوشش عبدالفتاح محمد الحلو و محمود محمد طناحی، قاهره: [بی‌نا]، ۱۳۸۳ ه‍.ق.
۱۹. شهرستانی محمد بن عبدالکریم، *الملل و النحل*، تحقیق محمد سید گیلانی، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۰۲ ه‍.ق.
۲۰. علم الهدی، مرتضی بن داعی، *تبصرة العوام فی معرفة مقالات الانام*، [بی‌جا]: [بی‌نا]، [بی‌تا].
۲۱. فخررازی، محمد بن عمر، *اعتقادات فرق المسلمين و المشركين*، [بی‌جا]: [بی‌نا]، [بی‌تا].
۲۲. قمی، عباس، *الكنی و الالقاب*، تهران: مکتبه الصدر، [بی‌تا].
۲۳. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ه‍.ق.
۲۴. مدرس، محمد علی، *ریحانه الأدب*، چ ۳، تهران: کتابفروشی خیام، ۱۳۴۷.
۲۵. نجاشی، احمد بن علی، *رجال*، به کوشش موسی شبیری زنجانی، قم: [بی‌نا]، ۱۴۰۷ ه‍.ق.
۲۶. هوار، کلمان، «ادبیات جغرافی نگاری و تاریخ نگاری در اسلام»، *تاریخ نگاری در اسلام*، به کوشش یعقوب آژند، تهران، ۱۳۶۱.

